



The Persian carpet industry in the 19th century

Mostafa Mollaei¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: To investigate the situation and its trade development and its exportation in 19th century

Method and Research Design: Archival documents and library resources were consulted to collect data for analysis.

Findings and Conclusion: Until the mid-19th-century carpet weaving was mainly a rural occupation and was traded within the domestic market. However, following an increase in demand from western countries and considerable investment by Iranian and foreign companies, the Persian carpet industry flourished and turned into a global business. In the second half of the century, Persian carpets were exported via neighboring countries or directly to Europe and US.

Keywords: Persian Carpet, Trade, Foreign Trade, Qajarids, Iran.

Citation: Mollaei, Mostafa. (2021). The Persian carpet industry in the 19th century. *Ganjine-ye Asnad*, 31(1), 6-41. doi: 10.22034/ganj.2021.2626

1. PhD, Iranian Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, I. R. Iran
m.s.mollaei@gmail.com

Copyright © 2021, NLA I (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«121»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.22034/GANJ.2021.2626

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 1, Spring 2021 | pp: 6 - 41 (36) | Received: 13, Jul. 2019 | Accepted: 1, Mar. 2020

Historical research



تجارت فرش ایران در قرن سیزدهم قمری

مصطفی ملایی^۱



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

چکیده:

هدف: بررسی وضعیت و سیر تحول تجارت و صادرات فرش ایران در قرن ۱۳ ق.
روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای تهیه شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: فرش بافی در نیمه اول قرن ۱۳ قی شغلی روستایی بود و فرش عمدتاً به صورت کالای تجاری داخلی بود؛ ولی با تقاضای روزافزون غربی‌ها برای فرش ایران و به دنبال آن با سرمایه‌گذاری و فعالیت تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی در صنعت فرش کشور، صنعت مزبور پیشرفت زیادی کرد و تجارت آن جنبه جهانی یافت. فرش از طریق بازار کشورهای همجوار و یا مستقیماً از ایران توسط شرکت‌های سرمایه‌گذار، به اروپا و ایالات متحده آمریکا صادر می‌شد.

کلیدواژه‌ها: فرش (قالی)؛ تجارت؛ صادرات؛ قاجار؛ قرن سیزدهم قمری.

استناد: ملایی، مصطفی. (۱۴۰۰). تجارت فرش ایران در قرن سیزدهم قمری. گنجینه اسناد، ۳۱(۱)، ۶-۴۱

doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۱,۲۶۲۶

۱. دکتری ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

m.s.mollai@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۲۱»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱,۲۶۲۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۰ | صص: ۶ - ۴۱ (۳۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

اگرچه فرش‌بافی در ایران قدمتی طولانی دارد، ولی صنعت فرش به‌طور مشخص از دوره صفوی و تحت حمایت شاهان صفوی و با ایجاد کارگاه‌های سلطنتی قالی‌بافی، وارد مرحله‌ای جدید از رشد و شکوفایی خود شد و فرش‌های تولیدی در این کارگاه‌ها به‌عنوان کالایی تجاری مطرح شد.

در فاصله سقوط سلسله صفوی تا شکل‌گیری سلسله قاجار، تحت‌تأثیر آشفتگی اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور، صنعت فرش وارد دوره‌ای از رکود نسبی شد. این روند تا حدودی در نیمه اول قرن ۱۹م/۱۳ق نیز ادامه پیدا کرد. سرانجام در نیمه دوم این قرن، تحت‌تأثیر عواملی چون آشنایی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها با فرش ایران و تقاضای آن‌ها برای این کالا، هم‌چنین، در دسترس بودن مواد خام و نیروی انسانی لازم در داخل کشور و سرانجام سرمایه‌گذاری تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی در تولید و تجارت فرش ایران، صنعت مزبور احیاء شد و تجارت آن جنبه جهانی پیدا کرد؛ چنان‌که قالی ایران در اواخر قرن مذکور، علاوه بر کشورهای هم‌جوار نظیر ترکیه و روسیه، به بازارهای اروپا و ایالات متحده آمریکا نیز صادر می‌شد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی تجارت و صادرات فرش ایران در قرن ۱۹م/۱۳ق، در صدد پاسخ‌گویی به پرسش زیر است.

پرسش پژوهش: سیر تحول تجارت و صادرات فرش ایران در طول قرن ۱۹م/۱۳ق چگونه بوده و چه عواملی باعث رونق صادرات فرش در نیمه دوم این قرن شده است؟
فرضیه پژوهش: فرش‌بافی در نیمه اول قرن ۱۹م/۱۳ق، عموماً شغلی روستایی بوده و فرش عمدتاً به‌صورت کالای تجاری داخلی مطرح بوده است؛ ولی با تقاضای روزافزون برای این کالا در بازارهای جهانی و به‌تبع آن سرمایه‌گذاری و فعالیت تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی در صنعت فرش کشور در نیمه دوم این قرن، تجارت آن جنبه جهانی پیدا کرده است و این کالا علاوه بر کشورهای هم‌جوار، به بیشتر کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا نیز صادر می‌شده است.

پیشینه پژوهش: در نگاهی کلی، غالب تحقیقات انجام‌شده در رابطه با صنعت فرش ایران در دوره قاجار، به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول منابعی هستند که در ضمن بررسی اوضاع اقتصادی ایران در دوره قاجار، بنابر اقتضا و به‌صورت کلی به تولید و تجارت فرش در این دوره اشاره کرده‌اند. دسته دوم، تحقیقاتی هستند که عموماً جنبه‌های تجاری فرش را بررسی کرده‌اند. کتاب‌های «تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار» اثر «عیسوی» (۱۳۶۲) و «اقتصاد ایران در قرن نوزدهم» تألیف «سیف» (۱۳۷۳) جزء دسته



اول‌اند. در پژوهش نخست، نویسنده در بخش بررسی صنایع دستی ایران در عصر قاجار، بسیار گذرا به سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش ایران، صادرات فرش و بازارهای آن در خارج از کشور، پرداخته‌است. در پژوهش دوم نیز «سیف» باینکه آمار و اطلاعات خوبی از مبادی صادرات فرش کشور در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق، و ارزش فرش‌های صادره از این کانون‌ها ارائه داده، ولی از اسناد موجود در آرشیوهای داخلی بهره نگرفته‌است. مقالات «عوامل مؤثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در ایران قرن نوزدهم میلادی» از «لعبت‌فرد» (۱۳۹۵) و «تحولات تجارت فرش دستباف ایران در دوره قاجاریه» از «اتحادیه» (۱۳۸۹) جزء دسته دوم‌اند. در مقاله اول، نویسنده بنا به دلایلی نامعلوم به اسناد دوره قاجار توجهی نداشته‌است. در مقاله دوم نیز نویسنده عمدتاً به تحولات تجارت فرش دست‌باف در نیمه اول قرن ۲۰م/۱۴ق پرداخته‌است. به دلیل منتشر نشدن اسناد مرتبط با صنعت فرش ایران در دوره قاجار در مراکز اسنادی خارج از کشور و مشکلات دسترسی به این مراکز، در پژوهش حاضر سعی خواهد شد تا با استفاده از اسناد آرشیوی داخل کشور و همچنین سفرنامه‌ها و منابع به‌جامانده از این دوره، وضعیت و سیر تحول تجارت و صادرات فرش ایران در قرن ۱۹م/۱۳ق، بررسی شود.

۲. وضعیت تجارت فرش ایران در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم قمری

همان‌گونه که اشاره شد، تجارت فرش، به‌طور مشخص از دوره صفوی در ایران رونق داشته‌است و این کالای نفیس، مانند ابریشم بخشی از صادرات کشور را تشکیل می‌داده‌است. در این دوره فرش‌های تولیدی در کارگاه‌های سلطنتی مستقر در شهرهایی هم‌چون اصفهان، کاشان و کرمان، علاوه بر رفع نیازهای شاهان و امرای صفوی و هدیه به پادشاهان دیگر کشورها، به‌عنوان کالای تجاری به کشورهای اروپایی و ممالک هم‌جوار نظیر عثمانی و هندوستان نیز صادر می‌شده‌است (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۳۵۹؛ اولثاریوس، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۵۶). در فاصله سقوط سلسله صفوی تا شکل‌گیری و تثبیت سلسله قاجار، تولید و تجارت فرش به پایین‌ترین سطح تنزل یافت و رونق گذشته خود را به‌کلی از دست داد؛ ولی بافت فرش در مقیاس اندک در طول این دوره (قرن ۱۸م/۱۲ق)، کماکان در برخی از مراکز سنتی کشور نظیر خراسان، کرمان و فارس رواج داشت (فریه، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴)؛ البته منابع موجود هیچ اطلاعاتی از جزئیات تجارت فرش در دوره مذکور به‌دست نمی‌دهند.



با شکل‌گیری و تثبیت سلسله قاجار در اوایل قرن ۱۹م/۱۳ق و ایجاد آرامش و امنیت نسبی در کشور، صنایع سنتی کشور به تدریج احیاء شدند و تولید و تجارت آن‌ها از سر گرفته شد؛ ولی ادغام ایران در شبکه جهانی تجارت و واردات بی‌رویه منسوجات و مصنوعات صنعتی غرب به کشور (از دهه ۱۸۳۰م/۱۲۴۵ق)، زمینه نابودی بسیاری از این صنایع را فراهم کرد. در این بین، شال و فرش از جمله صنایع بومی‌ای بودند که در نیمه اول این قرن، نه تنها تولید و تجارتشان به صورت محدود کماکان ادامه یافت، بلکه به تدریج گسترش یافت و در دهه‌های بعد جایگاه و اهمیت بالایی پیدا کرد. در این زمان نیز مراکز سنتی سابق با توجه به پیشینه خود در حوزه بافت، از مهم‌ترین مناطق شال‌بافی و فرش‌بافی کشور محسوب می‌شدند. در این میان، ایالات مرکزی ایران، نظیر کرمان و تاحدودی یزد، مهم‌ترین مراکز شال‌بافی کشور به‌شمار می‌آمدند و شال‌های تولیدی آن‌ها به دلیل کیفیت زیاد کرک و پشم استفاده‌شده در آن و همچنین ظرافت در بافت مرغوب‌ترین محصولات این صنعت در ایران بودند و شهرت جهانی داشتند؛ به طوری که «سایکس»^۱ در این باره آورده است: «شال کرمانی یا با کرک^۲ یا با پشم بافته می‌شود و نقشه و طرح آن نیز مثل نقشه قالی، ذهنی شال‌باف‌ها است. این متاع از حیث ظرافت به قالی ترجیح دارد و اکثراً به دست اطفال خردسال بافته می‌شود و اهالی کرمان به واسطه ذوق و شوق فوق‌العاده‌ای که دارند از این کار خسته و مریض و فرسوده نمی‌شوند... شال‌های کرمان دارای اشکال و نقوش مختلف [است]... و [بعضی] معمولاً به اسلالمبول حمل می‌گردد...» (سایکس، ۱۳۳۶، صص ۲۳۴-۲۳۵). در اواسط قرن ۱۹م/۱۳ق علاوه بر کارگاه‌های قالی‌بافی، صلوبیست کارگاه بافت شال هم در شهر کرمان دایر بوده و شال‌بافی صنعت عمده آن‌جا محسوب می‌شده است (انگلیش، ۱۳۹۰، ص ۶۲). با رشد و رونق این صنعت، در دهه‌های پایانی این قرن تعداد دستگاه‌های شال‌بافی دایر در کرمان به سه هزار دستگاه رسید و ارزش سالانه شال‌های صادراتی به خارج از کشور سیصد هزار تومان معادل شصت هزار لیره برآورد شد (سایکس، ۱۳۳۶، ص ۲۳۵).

مهم‌ترین تولید صنعتی‌ای که در نیمه اول قرن ۱۹م/۱۳ق همگام با تولید شال در کشور رواج داشت و به تدریج گسترش یافت قالی‌بافی بود (کوزنتسوا، ۱۳۸۶، ص ۲۴۶). فرش‌بافی در این دوره، حرفه‌ای روستایی تلقی می‌شد و در اصل روستاییان و ایلات عشایر (نظیر شاهسون‌های آذربایجان و همدان، افشارهای کرمان، بلوچ‌ها و ترکمن‌های خراسان، قشقایی‌هایی فارس و...) آن را انجام می‌دادند (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰). در واقع بافندگان عشایری (عمدتاً زنان) علاوه بر آنکه تولیدکنندگان عمده پشم خام بودند، به بافندگی نیز اشتغال داشتند (دل‌ریش، ۱۳۷۵، ص ۴۹). بخش زیادی از جمعیت ایران در قرن ۱۹م/۱۳ق

1. Sir Percy Molesworth Sykes

۲. کرک (کَلک): پشم نرمی را گویند که از بن موی بز برآید و آن را به شانه برآوردند و ریسند و شال و امثال آن بافند (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه).

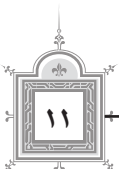


را روستاییان و عشایر تشکیل می‌دادند و بافت فرش هم عمدتاً در این مراکز متمرکز بود؛ چون در این مناطق پشم فراوان و ارزان وجود داشت. گزارش‌های موجود نیز بیانگر آن است که در دهه پایانی نیمه اول قرن ۱۳/م ۱۹ ق ایالات و ولایات خراسان، کردستان، فراهان، آذربایجان، کرمان، همدان، لرستان و فارس از مراکز سنتی بافت فرش در کشور بوده‌اند (فریه، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴). این فرش‌های تولیدی در کارگاه‌های بافندگی تهیه نمی‌شدند، بلکه مردم روستاها و عشایر آن‌ها را در قطع اغلب کوچک و اندازه معمولاً دراز و باریک و با طرح‌های تکراری می‌بافتند (ادواردز، ۱۳۶۸، ص ۶۶؛ عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۲۰۸-۲۰۹). هم‌چنین میزان تولید این قالی‌ها و قالیچه‌ها در نیمه اول قرن ۱۳/م ۱۹ ق، محدود بود و عمدتاً برای رفع نیازهای داخل کشور بافته می‌شد. در نتیجه در این دوره فرش و شال عموماً کالاهای تجاری داخلی بوده‌اند (Ittig, 1990, Vol 4, pp 878-879) و در بازارهای داخل کشور خرید و فروش می‌شده‌اند. البته «فلور»، ایران‌شناس و تاریخ‌نگار معاصر، معتقد است، در اواسط قرن ۱۳/م ۱۹ ق، علاوه بر تجارت داخلی قالی، فرش‌هایی نیز به صورت محدود و نامنظم به هندوستان و ترکیه صادر می‌شده‌است (فلور، ۱۳۹۳، ص ۲۳؛ سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۷۱). در سال ۱۸۴۴/م ۲۶۰ ق، ارزش کل قالی و شال صادراتی از تبریز به مقصد روسیه و ترکیه، ۹۵'۰۰۰ لیره استرلینگ بوده و این میزان در سال ۱۸۵۷/م ۲۷۳ ق، به ۳۲۹'۰۰۰ لیره رسیده‌است (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۷۱؛ Ittig, 1990, Vol 4, pp 878-879). هر چند در این باره آمار کامل‌تری در اختیار نداریم، ولی آنچه مشخص است، بخش عمده این اقلام، از طریق ترکیه و بخشی هم از طریق روسیه راهی بازارهای اروپا می‌شده‌است. گزارش‌های موجود نیز بیانگر آن است که در اواسط قرن ۱۳/م ۱۹ ق، نود درصد صادرات فرش کشور از طریق ترکیه به بازارهای اروپایی سرازیر می‌شده‌است (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۷۱).

۳. چگونگی رونق صنعت فرش ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی/ سیزدهم قمری

همان‌گونه که ذکر شد ادغام ایران در شبکه جهانی تجارت در نیمه اول قرن ۱۳/م ۱۹ ق با رشد سریع تجارت بین‌الملل هم‌زمان بود. از ویژگی‌های چشمگیر این دوره، باز شدن دروازه‌های مملکت بر روی کالاهای خارجی و واردات بی‌رویه اقلام و منسوجات صنعتی غرب از دهه ۱۸۳۰/م ۱۲۴۵-۱۲۵۰ ق، به‌ویژه ۱۸۴۰/م ۱۲۵۵-۱۲۶۰ ق و به تبع آن انهدام صنایع داخلی (تحویلدار، ۱۳۸۷، صص ۳۳-۷۰) و وابستگی بازارهای محلی به بازارهای بین‌المللی بود؛ به طوری که «جمال‌زاده» در این باره می‌نویسد: «با کمال تأسف باید اقرار نمود

1. WillemFloor



که گفته آنانی که می‌گویند "از کاغذ قرآن که دستور آسمانی ماست گرفته تا چلووار کفنِ امواتِ خود محتاج به خارجیان هستیم" عین حقیقت است» (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۵)؛ بنابراین، ادامه این روند در اواسط قرن ۱۹م/۱۳ق، نه تنها بر وابستگی بازرگانان ایرانی به مؤسسات تجاری خارجی افزود، بلکه به‌طور کلی تراز بازرگانی ایران را منفی کرد (اشرف، ۱۳۵۹، صص ۹۱-۹۵). لازم به ذکر است که هم‌زمان با ایران در سایر کشورهای خاورمیانه نیز شرایط اقتصادی تقریباً مشابهی حاکم بود. به عبارت بهتر، همان‌گونه که در اواسط قرن ۱۹م/۱۳ق واردات منسوجات از غرب دوسوم کل واردات ایران را تشکیل می‌داد، در ترکیه و مصر نیز واردات این‌قسم کالا به ترتیب، یک‌دوم و یک‌سوم واردات این کشورها را از آن خود کرده بود؛ فرایندی که باعث نابودی صنایع دستی داخلی، ایجاد کسری موازنه تجاری، و اقبال به تولید و صادرات کالاهای موردنیاز بازارهای جهانی در این کشورها شده بود (عیسوی، ۱۳۶۸، صص ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۴۸).

بنابراین، در چنین وضعیتی و در واکنش به سیل واردات اقلام ماشینی غرب به کشور و در راستای تأمین مالی این‌گونه اقلام وارداتی، کالاهای تولیدی ایران در صناعی رشد کرد که بازارهای جهانی نیاز داشت و بیشتر شامل مواد موردنیاز کشورهای صنعتی بود. براساس وضع جغرافیایی و اقتصادی کشور، کشاورزی مهم‌ترین بخش اقتصادی ایران در دوره قاجار محسوب می‌شد که در نیمه قرن ۱۹م/۱۳ق صادرات محصولات آن به بازارهای جهانی رشد زیادی کرد. ابریشم، توتون و تنباکو، پنبه و برنج از محصولات عمده کشاورزی ایران در دوره قاجار بود (شمیم، ۱۳۸۴، صص ۳۹۴-۳۹۵؛ ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ص ۲۲). در بین این محصولات ابریشم از همه مهم‌تر بود و تولید و صادرات آن در نیمه قرن ۱۹م/۱۳ق نقشی مهم در تأمین مالی واردات کشور داشت. در این زمان ابریشم در بیشتر ولایات شمالی ایران از جمله گیلان و برخی از مناطق مرکزی ایران به‌عمل می‌آمد و قسمت اعظم آن به روسیه، فرانسه، آمریکا، عثمانی و هندوستان صادر می‌شد (مجله فلاح و تجارت، سال ۲، شماره ۱، ۲۹۸ ش، ص ۱۷). بنابه گفته «جمال‌زاده» میزان تولید ابریشم ایران در نیمه قرن ۱۹م/۱۳ق (سال ۱۸۵۱م/۱۲۶۷ق) ۳۴۰'۰۰۰ من^۱ بوده که از این میزان ۲۰۳'۴۰۰ من آن به خارج از کشور صادر می‌شده است (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، صص ۲۴-۲۵). البته شیوع بیماری کرم ابریشم در دهه ۱۸۶۰م/۱۲۷۷ق به این کارکرد ابریشم خام پایان داد (مجله فلاح و تجارت، سال ۲، شماره ۲، ۱۲۹۸ ش، ص ۴۵). این بار اقتصاد ایران در جهت تأمین مالی واردات روزافزون کشور، به تولید و صادرات پنبه و تریاک روی آورد. در همین راستا، در دهه ۱۸۶۰م/۱۲۷۷ق، برای مدت کوتاهی تولید پنبه در فلات مرکزی و منطقه شمال شرقی ایران رونق گرفت. قسمت اعظم این محصول به روسیه و

۱. من «از اوزان متعارف دوره قاجار بوده که در هر ولایتی مقداری متفاوت داشته است». من تبریز که من مرسوم‌تر آن دوره محسوب می‌شد، ۶۴۰ مثقال بوده است (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۶۸).



هند صادر می‌شد؛ ولی با رونق مجدد تولید و صادرات پنبه آمریکا، بازار این محصول نیز از رونق افتاد و کساد شد (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۳۷۶-۳۷۷؛ باری‌یر، ۱۳۶۳، ص ۱۱). هم‌زمان با تولید و صادرات پنبه، تولید و تجارت تریاک نیز رونق گرفت. در این هنگام، این محصول عمدتاً در مناطق فارس، خراسان، کرمانشاه، اصفهان، یزد، کرمان و خوزستان کشت می‌شد. اگرچه تولید و تجارت این کالا به‌طور مشخص از سال ۱۸۶۵م/۱۲۸۲ق در کشور فعال بود، ولی در دهه‌های آخر قرن ۱۹م/۱۳ق کشت و تجارت آن گسترش زیادی پیدا کرد؛ به‌طوری‌که صادرات آن از ۴۷ تن در سال ۱۸۶۰م/۱۲۷۷ق، به ۴۰۰ تن در سال ۱۸۸۰م/۱۲۹۷ق رسید (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۳۰؛ سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴؛ فوران، ۱۳۸۷، صص ۱۸۷-۱۸۸). البته در نیمه دوم قرن ۱۹م/۱۳ق به‌جز ابریشم، پنبه و تریاک، صادرات محصولات دیگری، نظیر برنج و تنباکو نیز در کشور رونق داشت. با این حال تولید و صادرات این‌گونه محصولات و مواد خام کشاورزی در طی این دوره، نتوانست منابع مالی واردات روزافزون کشور به‌ویژه منابع مالی واردات اقلام مصرفی را تأمین کند.

به این ترتیب در حالی که مناسبات تجاری ایران با کشورهای اروپایی و روسیه در دهه‌های پایانی قرن ۱۹م/۱۳ق (۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق) گسترش می‌یافت و نوساناتی در تولید و صادرات فرآورده‌های نقدینه‌آفرین و تأمین مالی واردات کشور به‌وجود آمده بود، صادرات فرش مطرح شد. از یک‌سو، باتوجه‌به شهرت دیرینه فرش ایران در جهان و آشنایی و علاقه‌مندی غربی‌ها به این کالا در طی نخستین دهه‌های نیمه دوم قرن ۱۹م/۱۳ق، و به‌تبع آن تقاضا از جانب آن‌ها برای فرش‌های مناطق مختلف ایران، و از سوی دیگر ظرفیت‌های موجود در داخل کشور، تولید و صادرات این کالای راهبردی و درآمدزا در سطح وسیع، مطرح شد.

با رونق گرفتن فرش ایران و تقاضا برای این کالا در بازارهای جهانی، به تدریج سرمایه داخلی و خارجی نیز در این رشته تولیدی به‌کار افتاد. در آغاز تجار بومی از جمله تجار تبریز، فارس، کرمان، خراسان، کاشان و... از طریق عقد قرارداد کترات بافت با قالی‌باغان محلی و به تدریج با توسعه سرمایه‌گذاری در بخش تولید و تجارت فرش و ایجاد کارگاه‌های کوچک و بزرگ قالی‌بافی در شهرها و روستاهای ایران، مدیریت این کار را عهده‌دار شدند (ساکما، ۲۴۰/۴۷۴۸۲، برگ ۱۵۸؛ ادواردز، ۱۳۶۸، ص ۶۷)؛ ولی طولی نکشید که تجار و شرکت‌های خارجی عمدتاً غربی نیز تحت تأثیر عوامل خارجی نظیر رشد روزافزون تقاضا برای فرش ایران در بازارهای بین‌المللی، هم‌چنین دسترسی به مواد خام مرغوب (پشم و ابریشم) و وجود نیروی انسانی (بافنده) فراوان و ارزان در داخل کشور (عمدتاً زنان و کودکان)، به سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت فرش ایران روی آوردند. این تجارت‌خانه‌ها

و کمپانی‌های غربی عمدتاً از کشورهای انگلیس، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا، روسیه و آلمان بودند که در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق، به سرمایه‌گذاری و فعالیت در بخش تولید و تجارت صنعت فرش ایران جذب شدند. دایره و وسعت عملیات تولیدی و تجاری این شرکت‌ها در ابتدای فعالیت‌شان به تجارت، یعنی خرید قالی‌های موجود در بازار ایران و صادرات آن به بازار کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا محدود بود؛ ولی محدودیت میزان تولید داخلی در مقابل افزایش تقاضا در بازارهای بین‌المللی، این شرکت‌ها را بر آن داشت تا به تدریج با توسعه سرمایه‌گذاری خود در صنعت فرش ایران، از طریق عقد قرارداد با بافندگان محلی، ایجاد کارگاه‌های قالی‌بافی و رنگرزی و استخدام کارگران قالی‌باف، خود متصدی تولید فرش شوند (ساکما، ۱۵۵۳۷/۲۴۰، برگ ۱۶؛ استادوخ، ۱۳۰۰/۵۷/۸، برگ ۳). با گسترش عملیات این شرکت‌ها در اواخر دوره قاجار، صنعت فرش کشور رشد چشمگیری کرد و شمار دارهای قالی در مراکز اصلی فرش‌بافی کشور نظیر سلطان‌آباد^۱، کرمان، یزد، همدان، قزوین، کاشان، فارس و مشهد چندبرابر شد (ساکما، ۱۵۵۳۷/۲۴۰، برگ ۷۱؛ سیف، ۱۳۷۳، صص ۱۷۹-۱۸۰) و میزان فرش‌های تولیدی کشور افزایش یافت. برای نمونه تعداد دارهای قالی‌بافی در روستاهای اطراف سلطان‌آباد در سال ۱۸۹۳م/۱۳۱۰ق، ۱۵۰۰ دار بود، ولی با گسترش سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در بخش تولید فرش این منطقه، این تعداد در سال ۱۹۰۵م/۱۳۲۲ق، به ۵۰۰۰ دار رسید که ده هزار بافنده روی آن کار می‌کردند (سیف، ۱۳۷۳، صص ۱۸۰). متناسب با افزایش تولید، حجم و ارزش قالی‌های صادره از ایران به بازارهای بین‌المللی نیز بسیار افزایش یافت. این فرش‌ها عمدتاً به بازارهای اروپا، ایالات متحده آمریکا، روسیه و ترکیه صادر می‌شدند.

۴. توسعه و رونق تجارت فرش ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی/

سیزدهم قمری

از نیمه دوم قرن ۱۹م/۱۳ق به دلیل آشنایی و علاقه‌مندی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به فرش ایران تقاضا برای این کالا افزایش یافت. در این زمان، یکی از عوامل تأثیرگذار و اساسی در شناسایی فرش ایران، نمایش این کالا در نمایشگاه‌های بین‌المللی بود. شرکت در نمایشگاه تجارت جهانی اروپا در سال ۱۸۵۱م/۱۲۶۷ق و نمایشگاه وین در سال ۱۸۷۳م/۱۲۹۰ق از آن جمله‌اند. در نمایشگاه تجارت جهانی اروپا، اروپاییان به فرش‌های شرقی علاقه‌مند شدند (فلور، ۱۳۹۳، صص ۲۳). دو دهه بعد نیز در نمایشگاه وین، فرش‌هایی از فراهان، سنندج و خراسان به نمایش گذاشته شد که از عوامل تأثیرگذار در معرفی فرش ایران به

۱. نام سابق اراک.



غربی‌ها بود (Savory, 1990, Vol 4, pp 872-874). محبوبیت فرش‌های ایرانی در بین غربی‌ها، بیشتر به دلیل اصالت، تنوع طرح و رنگ، لطافت، و استفاده از رنگ‌های ثابت نباتی در بافت آن‌ها بود (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۶۲۳-۶۲۴؛ بنجامین، ۱۳۹۴، صص ۳۸۵-۳۸۷؛ فریه، ۱۳۷۴، صص ۱۳۶ و ۱۴۰). «کرزن»^۱ سیاستمدار بریتانیایی قرن ۱۹م/۱۳م‌اق در گزارش خود در این زمینه می‌نویسد: فرش ایران در این زمان در غرب چنان شهرتی به دست آورده است که «... کمتر خانواده طبقه بالا در انگلستان یا آمریکا در این فکر نیست که خواه از جنس ممتاز و یا عادی آن را فراهم نسازد و این کار بدون شک و انکار نشانه فرهنگ و تمدن است» (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۶۲۳). این گونه بود که با افزایش تقاضای خارجی برای فرش ایران، تجارت آن در مسیر رونق قرار گرفت. گزارش‌های موجود بیانگر آن است که ارزش صادرات قالی از کشور در اوایل دهه ۱۸۷۰م/۱۲۹۰ق، به چیزی حدود ۷۵۰۰۰ پوند می‌رسیده است (فلور، ۱۳۹۳، صص ۲۶). از دهه ۱۸۸۰م/۱۳۰۰ق، هم‌زمان با آغاز سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش کشور، فرش ایران با تقاضای روزافزون در بازارهای اروپا و ایالات متحده آمریکا مواجه شد و صادرات آن رونق گرفت؛ به طوری که در سال ۱۸۸۹م/۱۳۰۷ق، ارزش تقریبی صادرات فرش ایران به خارج از کشور به ۱۰۰۰۰۰ لیره (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۶۲۵، ۶۶۵) و در سال ۱۹۰۰م/۱۳۱۹ق به ۵۰۰۰۰۰ پوند رسید (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۶۶۹)؛ بنابراین، افزایش ناگهانی تقاضای غربی‌ها برای فرش ایران در این زمان، موجب رشد سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در بخش تولید فرش و به تبع آن رونق صادرات این بخش شد. در این بین، شرکت‌های انگلیسی «زیگلر»^۲ (ساکما، ۲۴۰/۲۲۸۳۸، برگ ۴۹)، «هاتس و پسران»^۳ یا «تولید قالی ایران»^۴ (اشرف، ۱۳۵۹، صص ۵۵)، «لینچ»^۵ (ساکما، ۲۴۰/۱۵۵۲۵، برگ ۲-۴)؛ و «ازمیر»^۶ یا شرکت «تولید قالی شرق»^۷ (استادوخ، ۱۳۲۹/۱۱/۳۹، برگ ۲۲)؛ کمپانی‌های ایتالیایی «نیرکو کاستلی و برادران»^۸ (استادوخ، ۱۳۲۷/۵۴/۲۶، برگ ۲۵) و «آندریا»^۹ (استادوخ، ۱۳۲۹/۳۴/۳۵، برگ ۶)؛ تجارت‌خانه‌های روسی «محممدوف گنجه‌ای» (فلور، ۱۳۹۳، صص ۴۱) و «نادژدا»^{۱۰} (استادوخ، ۱۳۲۶/۶۱/۱، برگ ۲۲)؛ و کمپانی‌های آمریکایی «قالی شرق»^{۱۱} (ساکما، ۳۶۰/۵۳۴۴، برگ ۳)، «تیموریان»^{۱۲} (استادوخ، ۱۳۳۴/۵۵/۱۳، برگ ۲۸)، «تاوشانجیان»^{۱۳} (ساکما، ۲۹۳/۳۹۹۸، برگ ۳۱)، «قازان»^{۱۴}، «قره‌گزین»^{۱۵} (استادوخ، ۱۳۰۲/۵۷/۲۹، برگ ۱)، «تلفیان»^{۱۶} (ساکما، ۲۹۳/۳۹۹۸، برگ ۷)، «فیتس و لارو»^{۱۷} (استادوخ، ۱۳۳۳/۵۴/۱۹، برگ ۲۶)، «تیریایان»^{۱۸}، «میسیریان»^{۱۹}، «براندلی»^{۲۰} (استادوخ، ۱۳۳۰/۵۴/۳۷، برگ ۳۴)، «دنچیان»^{۲۱}، «برادران باردویل»^{۲۲} (ساکما، ۲۴۰/۱۶۰۱۱، برگ ۵-۷) و «استیونس»^{۲۳} (استادوخ، ۱۳۳۲/۵۴/۱، برگ ۱۰) از مهم‌ترین

1. Lord George Nathaniel Curzon
2. Ziegler
3. Hotz and Sons
4. The Persian Carpet Manufacturing
5. Lynch
6. Izmir
7. Oriental Carpet Manufacturing
8. Nearco Castelli and Brothers
9. Andrea
10. Nodzhede
11. Oriental Carpet
12. Teymourian
13. Taushandjian
14. Qazan
15. Qaraqozian
16. Telphyan
17. Fritz and Larue
18. Tiryakian
19. Missirian
20. Brandyly
21. Dynchian
22. Bar deville
23. Stevens



شرکت‌های غربی‌ای بودند که در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و سال‌های آغازین قرن ۲۰م/۱۴ق با ایجاد شعباتی در مراکز فرش‌بافی کشور نظیر سلطان‌آباد، تبریز، همدان، کاشان، اصفهان، کرمان، یزد، مشهد، فارس و قزوین (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۸۳؛ استادوخ ۱۳۰۳/۵۷/۱۶ش، برگ ۱) و سرمایه‌گذاری در تولید، تجارت و صادرات فرش کشور تحولاتی اساسی در صنعت فرش ایجاد کردند. عمده این کمپانی‌ها علاوه بر خرید فرش‌های بافندگان محلی، با تأسیس کارگاه‌های بزرگ قالی‌بافی، مستقیماً قالی تولید می‌کردند و خود از عمده‌ترین صادرکنندگان فرش به خارج از کشور بودند. به طوری که در آغاز قرن ۲۰م/۱۴ق (سال ۱۹۰۲م/۱۳۱۹ق)، ارزش فرش‌های صادره از کشور به ۶۳۰۰'۰۰۰ فرانک رسید (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۱۳۷). اگرچه دسترسی به اسناد مراکز اسنادی خارج از کشور حاصل نشد و اسناد موجود در داخل کشور نیز اطلاعات کاملی از جزئیات میزان روبه‌رشد صادرات فرش ایران در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق به دست نمی‌دهد، ولی براساس داده‌های مندرج در گزارش‌های کنسولی دولت‌های اروپایی در ایالات و ولایات آذربایجان، خراسان، بغداد، کرمانشاه، فارس و خلیج فارس که «سیف» با استفاده از اسناد پارلمانی بریتانیا ارائه داده است تا حدود زیادی می‌توان به ارزش صادرات فرش کشور در این دوره دست یافت. براساس این گزارش‌ها، کانون‌های آذربایجان، خراسان، کرمانشاه، فارس و بندرهای خلیج فارس، در اواخر دوره قاجار از مبادی اصلی صادرات فرش در شمال، شرق، غرب، و جنوب ایران محسوب می‌شده‌اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۵. کانون‌ها و مبادی صادرات فرش در اواخر قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم

قمری

۱.۵ آذربایجان

ایالت آذربایجان در دوره قاجار (قرن ۱۹م/۱۳ق) مهم‌ترین مرکز صادرات و واردات کالا در شمال کشور محسوب می‌شد و قسمت عمده تجارت ایران با روسیه تزاری و کشورهای اروپایی در تبریز متمرکز بود. تجار تبریز نه تنها در بازارهای داخلی مشغول دادوستد بودند، بلکه قسمت عمده تجارت خارجی کشور را نیز در دست داشتند. این بازرگانان در استانبول و تفلیس نمایندگی بازرگانی داشتند و ضمن واردات مصنوعات کشورهای اروپایی و روسیه به تبریز، به صادرات تولیدات داخلی نظیر تنباکو، پنبه، ابریشم و فرش به اروپا و روسیه می‌پرداختند (استادوخ، ۱۳۲۹/۱۱/۳۷ق، برگ ۳؛ استادوخ، ۱۳۲۰/۹/۱۶ق، برگ ۴۰). «عیسوی» بازار روسیه و ترکیه را در نیمه دوم قرن ۱۹م/۱۳ق، تنها بازاری می‌داند که تولیدات ایران با سود زیادی به آن جا صادر می‌شده است (عیسوی،

1. Charles Issawi



۱۳۶۲، صص ۱۷۵، ۱۶۹). تجار تبریز در مراکز قالی‌بافی کشور نمایندگانی داشتند که فرش‌های موجود در بازارهای داخلی را جمع‌آوری می‌کردند و به تبریز می‌فرستادند. این قالی‌ها در تبریز طبقه‌بندی می‌شد و به‌صورت عدل درمی‌آمد و قسمتی از آن راهی بازار روسیه می‌شد و بخش اعظم آن از طریق بازار استانبول - که در آن روز به‌صورت مرکز تجمع تجار و مشتریان این کالا درآمده بود - به‌اسم قالی ترکیه به بازارهای اروپا و ایالات متحده آمریکا صادر می‌شد (دالمانی، ۱۳۳۵، صص ۵۲۰؛ اوین، ۱۳۶۲، صص ۸۶؛ استادوخ، ۱۳۲۴/۱۳/۱۱، برگ ۱۱۰). گزارش سفارت ایران در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۰۴/م ۱۹۲۵ش، به‌خوبی این موضوع را تأیید می‌کند. در این گزارش آمده‌است: «علت زیادبودن واردات [قالی] ترکیه [به آمریکا] تا سنه ۱۹۱۵ این بوده که غالب تجار ایرانی، قالی را به بنادر عثمانی و خاصه اسلامبول حمل [می‌کرده‌اند] و از آنجا تجار ارمنی و سایرین خریده، به اتازونی وارد می‌کردند و چون بندر صدور مال‌التجاره در خاک عثمانی بوده، گمرک اتازونی آن را جزو واردات از عثمانی قلمداد می‌کرده، در صورتی که فی‌الواقع دوثلث آن قالی ایران بوده‌است...» (استادوخ، ۱۳۰۴/۳۳/۸۴، برگ ۵-۶). این سفارت در گزارش دیگری در این باره می‌آورد، اگر تجار تبریز «از معامله با تجاری که در اسلامبول و یا سایر بلاد ترکیه اقامت دارند، حتی‌المقدور احتراز [کنند] و خود مستقیماً مال‌التجاره را حمل اتازونی بنمایند [و] خود رأساً مشغول تجارت و فروش آن بشوند، این مطلب قطعاً اثر کلی در قیمت [فرش] خواهد داشت» (استادوخ، ۱۳۰۴/۳۸/۵۶، برگ ۱۱). ایالت آذربایجان در قرن ۱۳/م ۱۹ق، علاوه‌برآنکه یکی از مراکز اصلی تولید فرش‌هایی با طرح و نقش هریس، گوروان و... بود (ادواردز، ۱۳۶۸، صص ۶۷)، از مبادی اصلی صادرات فرش کشور به روسیه و ترکیه (بازارهای اروپا و ایالات متحده آمریکا) هم بود.

جدول زیر براساس داده‌های مندرج در گزارش کنسول‌گری‌های دولت‌های اروپایی در ایالت آذربایجان در طی سال‌های ۱۸۷۳-۱۹۰۹/م ۱۲۹۰-۱۳۲۶ق، تنظیم شده‌است و نشان‌دهنده ارزش صادرات فرش از طریق کانون آذربایجان در طی سال‌های ۱۸۷۰-۱۹۰۰/م ۱۲۸۷-۱۳۱۷ق است

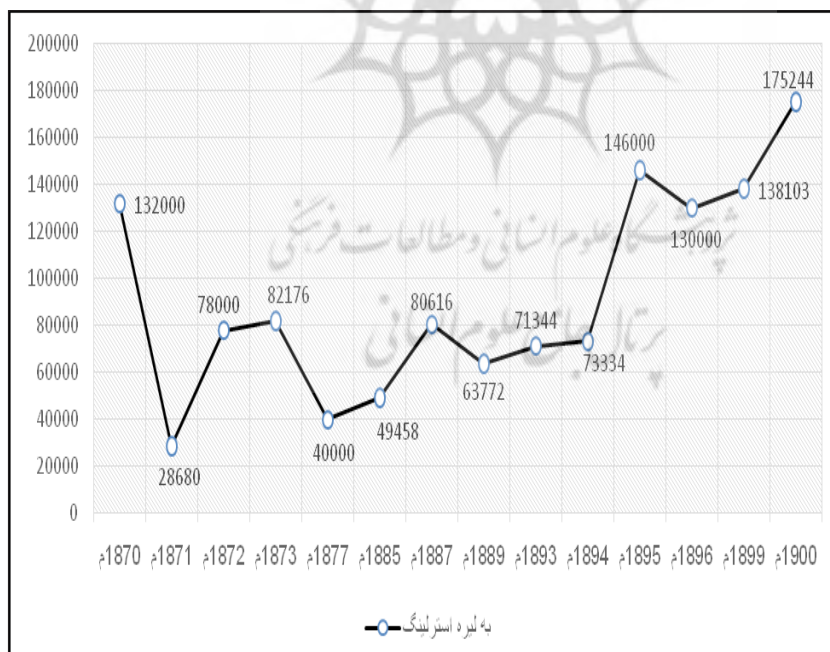
سال	به تومان	شاخص	به لیره استرلینگ	شاخص
۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق	۳۳/۰۰۰	۱۰۰	۱۳/۲۰۰	۱۰۰
۱۸۷۱م/۱۲۸۸ق	۷۱/۷۰۰	۲۱۷	۲۸/۶۸۰	۲۱۷
۱۸۷۲م/۱۲۸۹ق	۱۹۵/۰۰۰	۵۹۱	۷۸/۰۰۰	۵۹۱
۱۸۷۳م/۱۲۹۰ق	۱۹۷/۲۲۲	۵۹۸	۸۲/۱۷۶	۵۹۸
۱۸۷۷م/۱۲۹۴ق	۱۲۱/۲۰۰	۳۶۷	۴۰/۰۰۰	۳۰۳
۱۸۸۵م/۱۳۰۲ق	۱۵۵/۲۹۸	۴۷۱	۴۹/۴۵۸	۳۷۵
۱۸۸۷م/۱۳۰۳ق	۲۸۲/۱۵۶	۸۵۵	۸۰/۶۱۶	۶۱۱
۱۸۸۹م/۱۳۰۶ق	۱۹۱/۳۱۶	۵۸۰	۶۳/۷۷۲	۴۸۳
۱۸۹۳م/۱۳۱۰ق	۳۱۷/۰۸۴	۹۶۱	۷۱/۳۴۴	۵۴۰
۱۸۹۴م/۱۳۱۱ق	۳۸۵/۰۰۰	۱۱۶۷	۷۳/۳۳۴	۵۵۶
۱۸۹۵م/۱۳۱۲ق	۷۳۰/۰۰۰	۲۲۱۲	۱۴۶/۰۰۰	۱۱۰۶
۱۸۹۶م/۱۳۱۳ق	۶۵۰/۰۰۰	۱۹۷۰	۱۳۰/۰۰۰	۹۸۵
۱۸۹۹م/۱۳۱۶ق	۶۹۰/۵۱۵	۲۰۹۲	۱۳۸/۱۰۳	۱۰۴۶
۱۹۰۰م/۱۳۱۷ق	۸۷۶/۲۳۱	۲۶۵۵	۱۷۵/۲۴۴	۱۳۲۸

جدول ۱

ارزش قالی‌های صادراتی از آذربایجان
به اروپا و روسیه (۱۸۷۰-۱۹۰۰م/۱۲۸۷-
۱۳۱۷ق)

(سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۸۶).

نمودار جدول شماره ۱ به صورت زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۱

ارزش قالی‌های صادراتی از آذربایجان
به اروپا و روسیه (۱۸۷۰-۱۹۰۰م/۱۲۸۷-
۱۳۱۷ق)



براساس نمودار شماره ۱ میزان صادرات فرش از طریق کانون آذربایجان در طی اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق، نوسان داشته است؛ به این صورت که ارزش آن از ۱۳۲۰۰ لیره استرلینگ در سال ۱۸۷۰م/۲۸۷ق، به ۴۰۰۰ لیره در سال ۱۸۷۷م/۲۹۴ق، و ۱۴۶۰۰۰ لیره در سال ۱۸۹۵م/۳۱۲ق، و ۱۳۰۰۰ لیره در سال ۱۸۹۶م/۳۱۳ق، و ۱۷۵۲۴۴ لیره در سال ۱۹۰۰م/۳۱۷ق رسیده و به طور دائم در فرازونشیب بوده است. باین حال، در نگاهی کلی ارزش صادرات فرش از طریق این کانون در طی دوره‌ای ۳۰ساله در اواخر قرن مذکور روند صعودی و روبه‌رشد داشته است.

۲.۵. خراسان

ایالت خراسان (مشهد) از دیگر کانون‌های تجارت در شمال کشور در دوره قاجار محسوب می‌شد. موقعیت جغرافیایی خراسان و همجواری این ایالت با آسیای مرکزی و روسیه باعث شده بود تا این ایالت، بعد از آذربایجان، بیشترین حجم تجارت (صادرات و واردات کالا) با این کشورها را به خود اختصاص دهد. روسیه از مهم‌ترین طرف‌های تجاری ایران در قرن ۱۹م/۱۳ق محسوب می‌شد و میزان تجارت ایران با این کشور «... از ۹ میلیون روبل در سال ۱۸۷۵م به ۳۴ میلیون روبل در سال ۱۸۹۵م...» (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ص ۲۷) افزایش یافته بود؛ بنابراین طبیعی بود که ایالت بزرگی چون خراسان به دلیل هم‌مرز بودن با روسیه نقشی مهم در مبادلات تجاری ایران با این کشور داشته باشد. براساس گزارش‌های موجود، هم‌زمان با اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق این ایالت به دلیل پتانسیل‌های خوب خود در زمینه تولید فیروزه، انواع خشکبار، پنبه و پشم مرغوب، هم‌چنین فرش‌هایی با طرح و نقش‌های متنوع - که در ولایات مشهد، کاشمر، بیرجند، قاینات و سرخس بافته می‌شد - از مهم‌ترین صادرکنندگان این اقلام به روسیه بوده است (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۹). علاوه بر فرش‌هایی که شرکت‌ها و تجار روسی سرمایه‌گذار در تولید و تجارت فرش خراسان به روسیه صادر می‌کردند (استادوخ، ۱/۱۳۲۶/۱۳۲۶ق، برگ ۲۲؛ ساکما، ۲۴۰/۴۷۹۷، برگ ۱-۲)، صادرات نامنظم ولی روبه‌رشد فرش‌های تولیدی در محل و قالیچه‌های عشایری (طرح ترکمنی و بلوچی) آن منطقه به روسیه هم - که از طریق راه آهن ماوراء خزر و سواحل دریای مازندران صادر می‌شد - (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۶۹) قابل توجه بوده است.

جدول زیر ارزش قالی‌های صادراتی از خراسان به روسیه در طی سال‌های ۱۸۸۹-۱۹۰۴م/۱۳۰۶-۱۳۲۲ق را نشان می‌دهد و به خوبی بیانگر روند روبه‌رشد صادرات فرش از این ایالت به روسیه در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق است (سیف، ۱۳۶۳، ص ۱۸۷).

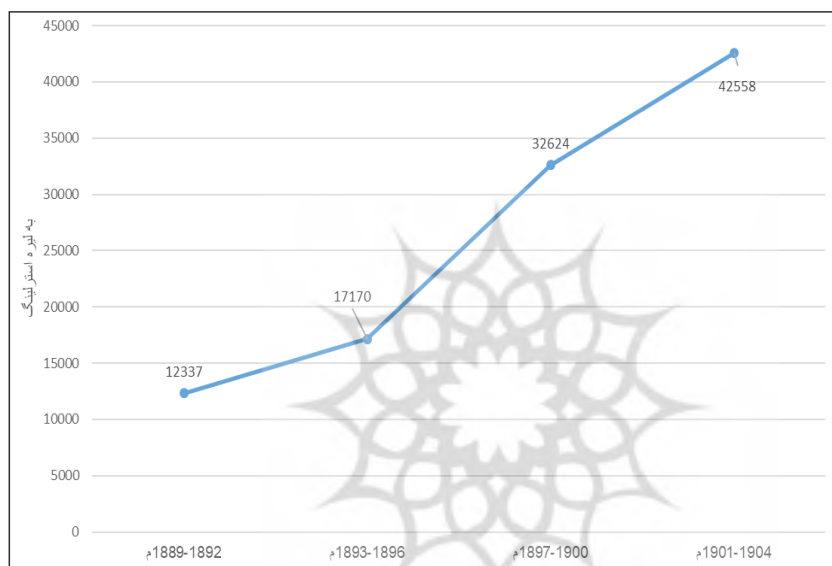


متوسط سالانه	به تومان	شاخص	به لیره استرلینگ	شاخص
۱۸۸۹-۱۸۹۲ م/۱۳۰۶-۱۳۰۹ ق	۴۳/۹۷	۱۰۰	۱۲/۳۳۷	۱۰۰
۱۸۹۳-۱۸۹۶ م/۱۳۱۰-۱۳۱۳ ق	۸۷/۸۴	۲۰۰	۱۷/۱۷۰	۱۳۹
۱۸۹۷-۱۹۰۰ م/۱۳۱۴-۱۳۱۷ ق	۱۶۳/۱۲۰	۳۷۱	۳۲/۶۲۴	۲۶۴
۱۹۰۱-۱۹۰۴ م/۱۳۱۸-۱۳۲۲ ق	۲۲۷/۶۸۵	۵۱۸	۴۲/۵۵۸	۳۴۵

جدول ۲

ارزش قالی‌های صادراتی از خراسان به روسیه (۱۸۸۹-۱۹۰۴ م/۱۳۰۶-۱۳۲۲ ق)

نمودار جدول شماره ۲ به صورت زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۲

ارزش قالی‌های صادراتی از خراسان به روسیه (۱۸۸۹-۱۹۰۴ م/۱۳۰۶-۱۳۲۲ ق)

بر اساس نمودار شماره ۲ ارزش صادرات قالی از خراسان به روسیه از ۱۲'۳۳۷ لیره استرلینگ در سال ۱۸۸۹ م/۱۳۰۵ ق به ۴۲'۵۵۸ لیره استرلینگ در سال ۱۹۰۴ م/۱۳۲۲ ق رسیده است. این نکته بیانگر افزایش تولید فرش در منطقه خراسان و رشد ۳/۵ درصدی ارزش صادرات این فرآورده از طریق کانون شمال شرق کشور در طی دوره‌ای ۱۶ ساله در اواخر قرن ۱۹ م/۱۳ ق و آغاز قرن ۲۰ م/۱۴ ق است. مستندات موجود نیز بیانگر آن است که در این دوره (سال‌های قبل از جنگ جهانی اول)، قریب ۵'۰۰۰ دستگاه قالی‌بافی در ایالت خراسان دایر بوده است (استادوخ، ۱۹/۶۷/۱۳۳۷ ق، برگ ۱۶) و در کارگاه‌های فرش‌بافی آن‌جا، فرش‌هایی با کیفیت زیاد تولید می‌شده که عمدتاً به خارج از کشور صادر می‌شده است.



۳.۵. کرمانشاه

ایالت کرمانشاه از دیگر کانون‌های تجارت و صادرات کالا در دوره قاجار بوده است. این ایالت را باید نبض راه معروفی دانست که مرکز ایران را به عتبات عالیات (کربلا و نجف) و بین‌النهرین (بغداد و بصره) متصل می‌کرد و از نظر تاریخی، سوق‌الجیشی و اقتصادی از مهم‌ترین راه‌ها به‌شمار می‌رفت. قرار گرفتن کرمانشاه بر سر شاه‌راه مزبور و آخرین نقطه آن در داخل خاک ایران، این ایالت را به یکی از مراکز اصلی صدور و ورود کالا در دوره قاجار تبدیل کرده بود. از زمان افتتاح کانال سوئز در سال ۱۸۶۹م/۱۲۸۶ق، و برقراری کشتی‌رانی در دجله و توسعه ارتباط میان بازارهای بغداد با اروپا، تجارت از طریق کرمانشاه احیاء شد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲؛ رابینو، ۱۳۹۱، ص ۴۰). از این زمان بود که ایالت مزبور به‌عنوان طبیعی‌ترین و مطمئن‌ترین گذرگاه عرضه و راه صدور و ورود کالا به بغداد برگزیده شد. در این بین، نزدیکی و واقع شدن مراکز مهم قالی‌بافی نظیر کردستان، همدان، قزوین و سلطان‌آباد بر سر شاه‌راه مذکور، کرمانشاه را به یکی از مبادی صادرات فرش ایران به بغداد و مصر (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۱۳۷) تبدیل کرد. به‌طوری‌که «رابینو»^۱ سرکنسول دولت بریتانیا در رشت در دوره قاجار، براساس گزارش‌های اداره گمرک کرمانشاه، ارزش فرش‌های صادراتی از این ایالت به بغداد در طی سال‌های ۱۸۹۷م/۱۳۱۴ق و ۱۹۰۰م/۱۳۱۸ق را به‌ترتیب ۷۸۰'۰۰۰ و ۱'۶۸۷'۴۴۸ قران ذکر می‌کند (رابینو، ۱۳۹۱، صص ۵۱ و ۵۷). اسناد موجود نیز از ازدیاد فرش‌های صادراتی در بازار بغداد و افزایش گمرک قالی ایران در بین‌النهرین در اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق (استادوخ، ۱۳۰۰/۸، ص ۱۳۰، برگ ۱-۵)، هم‌چنین رونق بازار قالی ایران در بین‌النهرین در سال‌های پایانی دوره قاجار گزارش می‌دهند (استادوخ، ۱۳۰۳/۳۶۹، برگ ۴). قدر مسلم فرش‌هایی که از کرمانشاه صادر می‌شده است، عمدتاً فرش‌های مناطق مختلف اراک، نظیر فرش‌های سلطان‌آباد، ساروق^۲، مشک‌آباد^۳ و فراهان (ادواردز، ۱۳۶۸، صص ۱۵۸-۱۶۰؛ سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰)، هم‌چنین قالی‌های درجزین^۴، تویسرکان، فامنین^۵ و کبوترآهنگ^۶ از منطقه همدان (استادوخ، ۱۳۳۷/۵۵/۵، برگ ۲؛ صوراسرافیل، ۱۳۷۸، صص ۲۲، ۹۷، ۱۳۵-۱۳۷) بوده است. باین‌حال، براساس آماروارقام موجود، صدور فرش از طریق کرمانشاه از سایر کانون‌های صادراتی کشور اهمیت کمتری داشته است. براساس گزارش سفارت‌خانه‌های خارجی مستقر در مرکز، علاوه بر تأثیر نسبی سخت‌گیری‌های ممتحن گمرک کرمانشاه در رابطه با طریقه معاینه فرش‌های صادراتی برای تشخیص استعمال رنگ جوهری در آنها (علی‌اکبری بایگی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۵)، حمل و صادرات قسمتی از فرش‌های صادراتی مناطق قزوین، همدان و عراق (اراک) از طریق آذربایجان و فارس هم، از عوامل اصلی کاهش صادرات فرش از کرمانشاه بوده است.

1. Hyacinth Louis Rabino

۲. دهستانی از توابع بخش مرکزی شهرستان

اراک در استان مرکزی.

۳. دهستانی از توابع بخش مرکزی شهرستان

اراک در استان مرکزی.

۴. دهستانی از توابع شهرستان رزن در

استان همدان.

۵. شهرستانی در شمال شرق استان همدان

که از شمال به شهرستان رزن، از جنوب به

شهرستان همدان، از شرق به استان مرکزی

و از غرب به شهرستان کبودرآهنگ محدود

می‌شود.

۶. کبوترآهنگ (کبودرآهنگ): شهرستانی

در شمال غربی استان همدان که از شمال

به شهرستان خدابنده، از غرب به شهرستان

بیجار، از جنوب به شهرستان‌های بهار و

همدان و از شرق به شهرستان‌های رزن و

فامنین محدود می‌شود



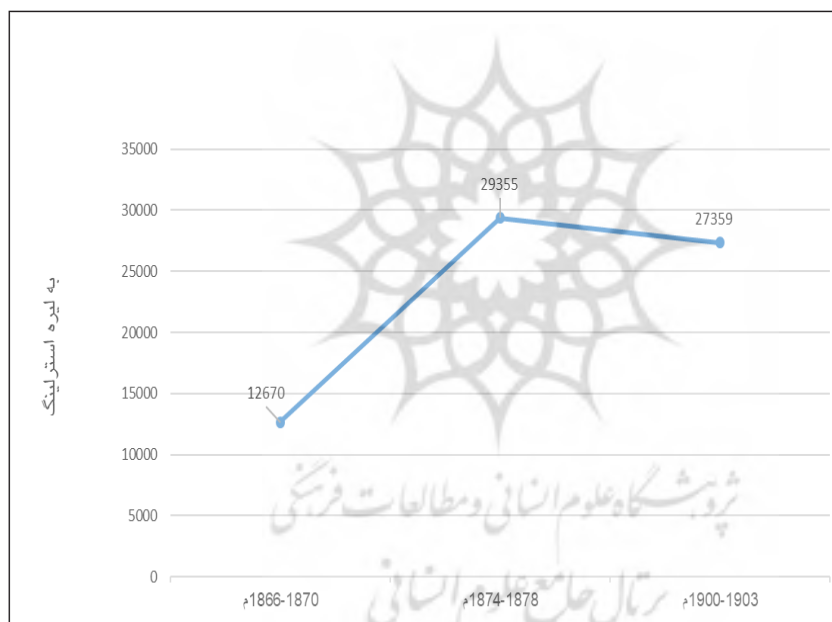
جدول شماره ۳ براساس داده‌های مندرج در گزارش‌های کنسولی دولت‌های اروپایی در بغداد و کرمانشاه در طی سال‌های ۱۸۶۶-۱۹۰۳/م ۱۲۸۳-۱۳۲۰ق، تنظیم شده‌است و ارزش صادرات فرش به بغداد از طریق کانون کرمانشاه را در اواخر دوره قاجار نشان می‌دهد؛ البته به دلیل یکسان نبودن منبع، این گزارش با گزارش «رابینو» کمی تفاوت دارد (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹).

متوسط سالیانه	به تومان	شاخص	به لیتر استرلینگ	شاخص
۱۸۶۶-۱۸۷۰/م ۱۲۸۳-۱۲۸۷ق	۳۴/۲۰۹	۱۰۰	۱۲/۶۷۰	۱۰۰
۱۸۷۴-۱۸۷۸/م ۱۲۹۱-۱۲۹۵ق	۸۰/۷۲۶	۲۳۶	۲۹/۳۵۵	۲۳۲
۱۹۰۰-۱۹۰۳/م ۱۳۱۷-۱۳۲۰ق	۱۴۸/۶۵۰	۴۳۴	۲۷/۳۵۹	۲۱۶

جدول ۳

ارزش صادرات فرش از کرمانشاه به بغداد
(۱۸۶۶-۱۹۰۳/م ۱۲۸۳-۱۳۲۰ق)

نمودار جدول شماره ۳ به صورت زیر نمایش داده شده‌است.



نمودار ۳

ارزش صادرات فرش از کرمانشاه به بغداد
(۱۸۶۶-۱۹۰۳/م ۱۲۸۳-۱۳۲۰ق)

طبق نمودار شماره ۳ ارزش صادرات فرش از کرمانشاه به بغداد در طی سال‌های ۱۸۶۶-۱۹۰۳/م ۱۲۸۳-۱۳۲۰ق، نوسان داشته‌است؛ باین حال، افزایش ۲/۵ برابری ارزش این فرش‌ها از ۱۲٬۶۷۰ لیتر در سال ۱۸۶۶/م ۱۲۸۳ق، به ۲۹٬۳۵۵ لیتر در سال ۱۸۷۸/م ۱۲۹۵ق و ۲۷٬۳۵۹ لیتر در سال ۱۹۰۳/م ۱۳۲۰ق نشان‌دهنده رونق تولید فرش در مناطق عراق (اراک)، همدان، قزوین و کردستان و روند صعودی صادرات قالی از ایران به بین‌النهرین و بغداد در طی سال‌های مذکور بوده‌است.



۴.۵. فارس

ایالت فارس در دوره قاجار از کانون‌های اصلی تجارت و صادرات کالا در جنوب کشور محسوب می‌شد. در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق فرش‌بافی در این ایالت رشد و رونق خوبی داشت. «کرزن» ایالت فارس را از مراکز قالی‌بافی کشور در قرن ۱۹م/۱۳ق برشمرده‌است و از دست‌بافت‌های «مُرغاب» به‌عنوان بهترین فرش‌های ایران در آن زمان یاد می‌کند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۲۴). «بنجامین»^۱ سفیر آمریکا در ایران در دوره ناصرالدین‌شاه نیز فرش‌های شیرازی را از مهم‌ترین انواع فرش‌های ایران در نیمه دوم قرن ۱۹م/۱۳ق، دانسته‌است (بنجامین، ۱۳۹۴، ص ۳۸۷). اسناد موجود نیز از فعالیت بازرگانان فارس در حوزه تجارت و صادرات فرش در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق خبر می‌دهند. براساس این اسناد، در سال ۱۸۸۰م/۱۲۹۷ق، شماری از تجار معروف فارس، هم‌چون «حاجی غلام‌علی بهبهانی»، «عبدالحسین اردوبادی»، «ملاحسن کازرونی» و «محمدجواد اردوبادی»، با مطرح کردن اهمیت تجارت منحصربه‌فرد فرش در ایالت فارس، رسیدگی دولت به مسئله ممانعت و سخت‌گیری‌های گمرک آن منطقه در صادرات قالی‌های جوهری به خارج از کشور را خواستار شدند (ساکما، ۲۹۳/۵۸۸۴، برگ ۵). بنابر همین اسناد، در این زمان، این بازرگانان نقش مهمی در سامان‌دهی تولید، به‌ویژه تجارت و صادرات فرش‌های ایرانی، در آن منطقه داشتند؛ به‌طوری‌که به‌محض مطلوب‌یافتن بازار کشور مصر برای فرش‌های ایرانی، مساعدت کارگزاری شیراز را برای تسهیل در حمل و صادرات مال‌التجاره‌های قالی از ایران به این کشور خواستار شدند (استادوخ، ۱۳۳۸/۴۹/۳، برگ ۲۵).

اگرچه تولید فرش در فارس در اواخر دوره قاجار، از سایر مراکز قالی‌بافی نظیر سلطان‌آباد، کرمان، کاشان، خراسان، آذربایجان و... اهمیت کمتری داشته‌است، با این حال موقعیت جغرافیایی و تجاری فارس این ایالت را به یکی از کانون‌های اصلی صادرات کشور تبدیل کرده بود؛ بنابراین قدر مسلم قسمت مهمی از کالاهای صادراتی از این مرکز، به صادرات فرش‌های تولیدی جنوب و مرکز کشور نظیر فرش‌های مناطق فارس، کرمان و کاشان - که از مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران در اواخر دوره قاجار محسوب می‌شده‌اند - اختصاص داشته‌است. اگرچه مقصد فرش‌های صادراتی از کانون فارس در دوره قاجار به‌طور دقیق مشخص نشده‌است، ولی به‌احتمال زیاد قسمتی از مال‌التجاره مزبور به مصر (استادوخ، ۱۳۳۸/۴۹/۳، برگ ۲۵) و عدن و بخشی به بغداد صادر می‌شده‌است (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹).

جدول شماره ۴ براساس داده‌های مندرج در گزارش‌های کنسولی دولت‌های اروپایی Benjamin 1.



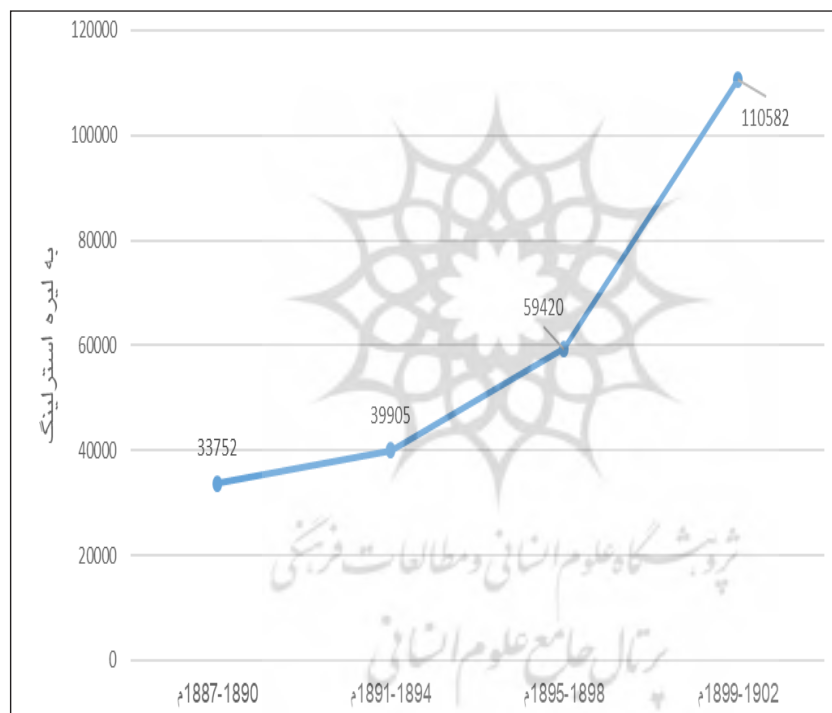
در «خلیج فارس» در طی سال‌های ۱۸۸۷-۱۹۰۲/م ۱۳۰۴-۱۳۲۰ق، تنظیم شده‌است و ارزش صادرات فرش ایالت فارس -از طریق خلیج فارس- به خارج از کشور را در دهه پایانی قرن ۱۹/م ۱۳ق نشان می‌دهد (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۸۸).

متوسط سالیانه	به تومان	شاخص	به لیره استرلینگ	شاخص
۱۸۸۷-۱۸۹۰/م ۱۳۰۴-۱۳۰۷ق	۱۱۸/۹۷۶	۱۰۰	۳۳/۷۵۲	۱۰۰
۱۸۹۱-۱۸۹۴/م ۱۳۰۸-۱۳۱۱ق	۱۶۲/۸۶۲	۱۳۷	۳۹/۹۰۵	۱۱۸
۱۸۹۵-۱۸۹۸/م ۱۳۱۲-۱۳۱۵ق	۳۱۹/۳۸۲	۲۶۸	۵۹/۴۲۰	۱۷۶
۱۸۹۹-۱۹۰۲/م ۱۳۱۶-۱۳۲۰ق	۵۹۴/۷۶۵	۵۰۰	۱۱۰/۵۸۲	۳۲۸

جدول ۴

ارزش صادرات قالی از ایالت فارس
(۱۸۸۷-۱۹۰۲/م ۱۳۰۴-۱۳۲۰ق)

نمودار جدول شماره ۴ به صورت زیر نمایش داده شده‌است.



نمودار ۴

ارزش صادرات قالی از ایالت فارس
(۱۸۸۷-۱۹۰۲/م ۱۳۰۴-۱۳۲۰ق)

براساس نمودار شماره ۴ ارزش صادرات فرش از ایالت فارس به خارج از کشور، از ۳۳٬۷۵۲ لیره در سال ۱۸۸۷/م ۱۳۰۴ق، به ۱۱۰٬۵۸۲ لیره در سال ۱۹۰۲/م ۱۳۱۹ق رسیده‌است که نشان‌دهنده افزایش حدود سه‌برابری صادرات قالی از طریق این کانون در طی دوره‌ای ۱۶ ساله در اواخر قرن ۱۹/م ۱۳ق و آغاز قرن ۲۰/م ۱۴ق است.



۵.۵. بندرهای خلیج فارس

بندرهای خلیج فارس، شامل بندر بوشهر، بندرعباس، لنگه و محمره (خرمشهر)، از دیگر کانون‌های اصلی تجارت و صادرات کالا در دوره قاجار بوده‌اند (ساکما، ۲۳۲/۲۵۰۵، برگ ۱۲۲۴). این بندرها در طی قرن ۱۹م/۱۳ق تحت تأثیر عواملی چون برقراری خطوط کشتی‌رانی در خلیج فارس، افزایش هرج و مرج در عراق و استقرار ناوگان دریایی انگلیس در خلیج فارس در راستای ایجاد امنیت در منطقه و توسعه راه‌های تجاری، هم‌چنین انحراف تجارت از راه‌های طرابوزان و قفقاز به دلیل جنگ روس و عثمانی (۱۸۷۷م/۱۲۹۴ق) و الغای معافیت گمرکی کالاهای ترانزیتی از طریق قفقاز، از اهمیت تجاری خاصی برخوردار شدند (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۲۷) و حجم زیادی از صدور و ورود کالاها از جمله صادرات فرش را به خود اختصاص دادند. به طوری که بنابه گفته «عیسوی» صادرات ایران از طریق بندرهای خلیج فارس در اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق، ۱'۲۰۰'۰۰۰ لیره و به عبارت دیگر ۱۵ درصد کل تجارت ایران بوده‌است (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۷). علاوه بر عوامل مذکور افزایش تقاضا در بازارهای اروپایی برای فرش ایران در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق، و تولید انواع قالی و قالیچه توسط عشایر فارس و مردم محلی بوشهر، هم‌چنین رونق تولید فرش در مراکز فرش‌بافی واقع در مرکز کشور نظیر اصفهان و یزد و کاشان و مناطق پس‌کرانه نظیر کازرون، و شیراز و حمل آن به این بندرها (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴) از عوامل اصلی رونق تجارت و صادرات فرش از طریق این کانون بوده‌است.

به این ترتیب در اواخر سده ۱۹م/۱۳ق تجارت فرش از طریق بندرهای خلیج فارس رشد خوبی داشته‌است. گزارش‌های موجود نیز بیانگر آن است که طی سال‌های ۱۸۷۸-۱۸۸۸م/۱۲۹۵-۱۳۰۵ق فرش یکی از کالاهای پرحجم صادراتی از گمرکات بوشهر، بندرعباس و بندرلنگه به‌شمار می‌رفته‌است (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵). در این باره اگرچه آماری دقیق‌تر و کامل‌تری در اختیار نداریم، ولی آنچه مشخص است این حجم از صادرات فرش، در اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق نیز ادامه داشته‌است. برای نمونه براساس گزارش‌های اداره گمرکات به بانک شاهنشاهی، در این زمان، ارزش قالی‌های جوهری صادره از بندر محمره، ۲۷۹'۰۰۰ قران برآورد شده‌است (ساکما، ۲۴۰/۷۰۳۶، برگ ۶۳) که بیانگر رشد صادرات فرش از طریق این کانون در اواخر دوره قاجار است.

فرش‌های حمل‌شده به بندرهای جنوب کشور عمدتاً فرش‌های تولیدشده در مراکز فرش‌بافی جنوب و مرکز کشور بوده که از طریق این بندرها به بازار کشورهای اروپایی (استادوخ، ۱۳۱۸/۱۸۲۱ق، برگ ۱۱۶)، ایالات متحده آمریکا (استادوخ، ۱۳۲۹/۱۱/۳۷ق،

برگ ۱۴) و هندوستان (ساکما، مرکز اسناد ملی کرمان، ۹۹/۲۳۰/۵۵۳، برگ ۱؛ ساکما، مرکز اسناد ملی کرمان، ۹۹/۲۳۰/۴۳، برگ ۱-۳) صادر می شده است. برای نمونه، اسناد موجود، از بازار خوب قالی های افشاری کرمان در هندوستان در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق و حمل این مال التجاره از راه گمرک بندرعباس و دزداب (زاهدان) خبر می دهند (ساکما، مرکز اسناد ملی کرمان، ۹۹/۲۳۰/۶۷۷، برگ ۱). در همین اسناد در موارد متعدد به سرقت این فرش ها در مسیرهای حمل به بندرهای خلیج فارس و درخواست کمپانی های خارجی سرمایه گذار در صنعت فرش کشور از دولت برای ایجاد امنیت در این مسیرها اشاره شده است (استادوخ، ۱۳۳۵/۲/۱۵، برگ ۳۴؛ استادوخ، ۱۳۳۳/۵۴/۲۱، برگ ۴؛ استادوخ، ۱۳۲۹/۵۴/۱۸، برگ ۱۹).

جدول شماره ۵ براساس داده های مندرج در گزارش های کنسولی دولت های اروپایی در بندرهای خلیج فارس در طی اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق تنظیم شده است و ارزش صادرات فرش از طریق این بندرها را در طی سال های ۱۸۸۷-۱۹۰۱م/۱۳۰۴-۱۳۱۸ق نشان می دهد (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۹۰).

متوسط سالیانه	به تومان	شخص	به لیره استرلینگ	شاخص
۱۸۸۷-۱۸۸۹م/۱۳۰۴-۱۳۰۶ق	۱۲۷/۸۷۳	۱۰۰	۲۸/۶۵۶	۱۰۰
۱۸۹۰-۱۸۹۲م/۱۳۰۷-۱۳۰۹ق	۹۷/۷۴۲	۷۱	۲۷/۰۸۸	۷۰
۱۸۹۳-۱۸۹۵م/۱۳۱۰-۱۳۱۲ق	۵۳۲/۵۰۵	۳۸۸	۱۱۱/۱۴۷	۲۸۷
۱۸۹۶-۱۸۹۸م/۱۳۱۳-۱۳۱۵ق	۲۲۶/۳۹۵	۱۶۴	۴۲/۴۴۹	۱۱۰
۱۸۹۹-۱۹۰۱م/۱۳۱۶-۱۳۱۸ق	۳۲۹/۱۹۲	۳۳۹	۶۱/۴۲۴	۱۵۹

نمودار جدول شماره ۵ به صورت زیر نمایش داده شده است.



جدول ۵

ارزش صادرات قالی از طریق بندرهای خلیج فارس (۱۸۸۷-۱۹۰۱م/۱۳۰۴-۱۳۱۸ق)

نمودار ۵

ارزش صادرات قالی از طریق بندرهای خلیج فارس (۱۸۸۷-۱۹۰۱م/۱۳۰۴-۱۳۱۸ق)



براساس مندرجات نمودار شماره ۵ ارزش صادرات فرش از طریق بندرهای خلیج فارس به خارج از کشور در طی سال‌های ۱۸۸۷-۱۹۰۱م/۱۳۰۴-۱۳۱۸ق، پیوسته در نوسان بوده‌است، باین‌حال، افزایش ارزش صادرات این کالا از ۳۸'۶۵۶ لیره در سال ۱۸۸۷م/۱۳۰۴ق به ۶۱'۴۲۴ لیره در سال ۱۹۰۱م/۱۳۱۸ق، بیانگر روند صعودی صادرات قالی از طریق این بندرها به خارج از کشور در طی دوره‌ای ۱۵ساله است.

روند صادرات فرش در دهه آخر قرن ۱۹م/۱۳ق به‌طور کلی در حال افزایش تدریجی بود؛ ولی قانون مجاز شناخته‌شدن صادرات فرش‌های جوهری و معافیت دریافت حقوق گمرکی از این فرش‌ها - که پیشتر به‌صورت سلیقه‌ای و مقطعی از طرف دولت قاجار اعمال می‌شد - از عوامل اصلی نوسان (رشد ناگهانی) در میزان و ارزش صادرات این کالا از طریق مبادی صادرات فرش کشور بوده‌است. نمونه بارز این نوسان را می‌توان در افزایش ارزش صادرات فرش (به ارزش ۱۱۱'۱۴۷ لیره استرلینگ) از طریق بندرهای خلیج فارس در طی سال‌های ۱۸۹۳-۱۸۹۵م/۱۳۱۰-۱۳۱۲ق مشاهده کرد.

از دهه ۱۸۸۰م/۱۳۰۰ق و هم‌زمان با آغاز سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش کشور تقاضا برای فرش ایران در بازارهای بین‌المللی افزایش یافت و صادرات این کالا از طریق کانون‌های مذکور از رونق خوبی برخوردار شد. ولی اوج صادرات فرش ایران به بازارهای بین‌المللی در دهه اول و دوم قرن ۲۰م/۱۴ق (سال‌های قبل از جنگ جهانی اول) و هم‌زمان با سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در تولید و تجارت صنعت فرش ایران اتفاق افتاد. اسناد و گزارش‌های به‌جامانده از دوره قاجار، اطلاعات پراکنده و اندکی از تجارت خارجی و بازارهای فرش ایران در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق، به‌دست می‌دهد. بازارهای ترکیه، روسیه و کشورهای غربی (اروپا و ایالات متحده آمریکا) مهم‌ترین بازارهای فرش در اواخر قرن مذکور بوده‌اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۶. بازارهای فرش ایران

۱.۶. ترکیه

به‌طور مشخص، ایران از دوره صفوی با عثمانی (ترکیه) روابط تجاری گسترده‌ای داشت و فرش‌های تولیدی در کارگاه‌های سلطنتی، بخشی از صادرات ایران به این کشور را تشکیل می‌داد. در دوره قاجار نیز این‌قسم مبادلات تجاری ادامه یافت و به‌دلیل نقش کشور ترکیه در واردات مصنوعات کشورهای غربی و روسیه به داخل کشور و صادرات تولیدات داخلی به اروپا، بازار این کشور مهم‌ترین بازار صادرات فرش ایران به اروپا و ایالات متحده آمریکا بود.

در نیمه اول قرن ۱۹م/۱۳ق فرش غالباً به‌عنوان کالای تجاری داخلی مطرح بود؛ البته محدود فرش‌های تولیدی روستاییان و ایلات و عشایر (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰؛ دل‌ریش، ۱۳۷۵، ص ۴۹) که اغلب در قطع کوچک بافته می‌شد (ادواردز، ۱۳۶۸، ص ۶۶)، جزئی از اقلام صادراتی کشور به بازار ترکیه را تشکیل می‌داد (فلور، ۱۳۹۳، ص ۲۳). اگرچه اسناد و منابع موجود هیچ‌گونه اطلاعاتی از آمار و جزئیات این قسم مبادلات تجاری به‌دست نمی‌دهند، ولی قدر مسلم حجم این‌گونه فرش‌های صادراتی به بازار استانبول در طی دوره مذکور ناچیز بوده‌است؛ ولی ارزش این قبیل فرش‌های شاخص صادراتی به ترکیه نسبتاً زیاد بوده‌است (فلور، ۱۳۹۳، ص ۲۳: ۸۷۹، ۴، ۱۹۹۰، Ittig).

در نیمه دوم سده ۱۹م/۱۳ق روابط تجاری ایران و ترکیه گسترش بیشتری پیدا کرد و صادرات فرش به ترکیه نیز رشد خوبی کرد. در ربع آخر این قرن، افزایش تدریجی تقاضا از جانب غربی‌ها (اروپاییان و آمریکایی‌ها) برای فرش ایران و به‌تبع آن رشد صادرات فرش به این کشورها از عوامل اصلی در رونق حمل فرش به بازار ترکیه بوده‌است. ترکیه (استانبول) در اواخر قرن مذکور، به‌صورت بازار جهانی قالی درآمدی بود و نقشی پراهمیت در صادرات فرش ایران به کشورهای غربی ایفا می‌کرد (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۵۲۰؛ اوین، ۱۳۶۲، ص ۸۶؛ استادوخ ۱۳/۱۱/۱۳۲۴ق، برگ ۱۱۰). «عیسوی» حجم قالی‌های صادراتی ایران از راه طرابوزان به ترکیه در سال ۱۸۷۲م/۱۲۸۷ق را قابل توجه توصیف می‌کند و ارزش این مال‌التجاره را حدود ۲۸۰۰۰ لیره ذکر می‌کند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۶۹)؛ این فرش‌ها غالباً به‌اسم فرش ترکیه راهی بازارهای جهانی می‌شدند (استادوخ، ۱۳/۱۱/۱۳۲۴ق، برگ ۱۱۰).

اسناد و گزارش‌های موجود اطلاعات دیگری از حجم و ارزش فرش‌های صادراتی به کشور ترکیه در طی اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق، به‌دست نمی‌دهند؛ ولی آنچه مشخص است، در دهه آخر قرن ۱۹م/۱۳ق به‌ویژه در دهه اول و دوم قرن ۲۰م/۱۴ق (سال‌های قبل از جنگ جهانی اول) و هم‌زمان با گسترش سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش کشور، حجم مبادلات تجاری بین ایران و ترکیه افزایش بیشتری یافته‌است و ترکیه از بازارهای اصلی صادرات فرش ایران به کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا بوده‌است. بنابه گفته جمال‌زاده ارزش فرش‌های پشمی صادره از ایران به ترکیه در سال ۱۹۰۷م/۱۳۲۵ق، ۱۹۸۹۳۹۱۳ قران بوده‌است (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰). علاوه‌بر هم‌جواری ترکیه با ایران، تعیین حقوق گمرکی ثابت (صدی یازده) از طرف دولت ترکیه برای فرش‌های صادراتی ایران در طی سال‌های قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م/۱۳۳۳ق)، از عوامل تأثیرگذار در افزایش صادرات فرش به این کشور بوده‌است (استادوخ، ۱۳/۸۴/۳۳/۱۳۰۴ش، برگ ۵-۶).



۲.۶. روسیه

روابط تجاری ایران با روسیه از دوره صفوی قوت گرفت و با ادامه در دوره قاجار وارد مرحله‌ای جدید شد. در این دوره، در نیمه اول قرن ۱۹م/۱۳ق انعقاد عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳م/۱۲۲۸ق) و ترکمانچای (۱۸۲۸م/۱۲۴۳ق) زیربنای روابط تجاری ایران با روسیه شد و تعرفه گمرکی ۵ درصد بر ورود کالاهای روسی به کشور، الگوی قرارنامه‌های بازرگانی ایران با روسیه شد. به این ترتیب و در نیمه دوم قرن مذکور این کشور به صورت یکی از مهم‌ترین طرف‌های تجاری ایران درآمد؛ به طوری که «... میزان تجارت ایران با روسیه از ۹ میلیون روبل در سال ۱۸۷۵م به ۳۴ میلیون روبل در سال ۱۸۹۵م...» (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ص ۲۷) رسید. در این میان، اگرچه تراز بازرگانی به نفع روسیه بود، ولی صادرات ایران به بازار روسیه نیز قابل توجه بود. از دلایل اصلی رشد صادرات ایران به روسیه علاوه بر همسایگی روسیه با نواحی حاصلخیز ایران مانند خراسان، مازندران، گیلان و آذربایجان، ایجاد راه‌های شوسه در شمال کشور توسط کمپانی‌های روسی هم بود که باعث سهولت در حمل و نقل مال‌التجاره به این کشور می‌شد (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۱۰۲).

فرش از جمله اقلام صادراتی‌ای بود که از نیمه اول قرن ۱۹م/۱۳ق به صورت محدود و از طریق مبادی و کانون‌های تجاری شمال کشور راهی بازارهای روسیه می‌شد (Ittig, 1990, Vol 4, pp 878-879). از نیمه دوم سده مذکور و هم‌زمان با سرمایه‌گذاری تجار بومی در تولید و تجارت فرش، صادرات این کالا به کشورهای همجوار از جمله روسیه افزایش یافت. گزارش‌های موجود نیز بیانگر آن است که در دهه ۱۸۶۰م/۱۲۷۶ق، ارزش کل صادرات قالی و دیگر فرآورده‌های پشمی به روسیه به ۱۷'۰۰۰ لیره استرلینگ رسید (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۷۱). البته در این زمان فقط ۱۰ درصد از فرش‌های صادراتی ایران راهی بازارهای روسیه می‌شد و بخش اعظم آن از طریق ترکیه به بازارهای اروپا و آمریکا صادر می‌شد (سیف، ۱۳۷۳، ص ۱۷۱).

با وجود این چنان‌که پیشتر هم اشاره شد اوج صادرات فرش ایران در دوره قاجار، مربوط به دهه آخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق بوده است. در این زمان با تقاضای روزافزون اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها برای فرش ایران و سرمایه‌گذاری کمپانی‌های غربی از جمله تجار و شرکت‌های روسی در صنعت فرش کشور، صادرات این کالا به خارج از کشور، از جمله به بازارهای روسیه، از رونق خاصی برخوردار شد. مستندات موجود نیز نشان می‌دهد که بازار روسیه در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق سهم قابل توجهی از فرش‌های صادراتی ایران را به خود اختصاص می‌داده است؛ به طوری که «دالمانی»، ارزش قالی‌های صادره از ایران به بازارهای روسیه در ابتدای قرن ۲۰م/۱۴ق

را حدود ۵'۰۰۰'۰۰۰ فرانک برآورد می‌کند (دالمانی، ۱۳۳۵، صص ۱۰۲-۱۰۳). علاوه بر
تجار و بازرگانان داخلی، تجار و شرکت‌های روسی سرمایه‌گذار در صنعت فرش ایران
هم از صادرکنندگان فرش به کشور روسیه بودند. از جمله این شرکت‌ها تجارت‌خانه
«محمدوف گنجه‌ای» بود که در سال ۱۸۹۸-۱۸۹۹م/۱۳۱۶-۱۳۱۷ق، در تبریز در محله
«نوبر»^۱، یک کارخانه قالی‌بافی بزرگ، متشکل از کارگاه‌های فرش‌بافی، رنگرزی، انبار
و نانویی احداث کرده بود. این کارخانه ۲۰۰ دار بافندگی (فلور، ۱۳۹۳، ص ۴۱؛ سیف،
۱۳۷۳، ص ۱۷۴) و ۶۰۰ کارگر و یا بافنده (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۸۶) داشت و فرش‌های
تولیدی خود را عمدتاً به بازارهای روسیه و از طریق این کشور به کشورهای اروپایی صادر
می‌کرد.

در دهه اول قرن ۲۰م/۱۴ق تجار و شرکت‌های روسی بیشتری به سرمایه‌گذاری در
تولید، به‌ویژه در تجارت فرش ایران جذب شدند (استادوخ، ۱/۱۳۲۶/۱۳۲۷ق، برگ ۲۲؛
ساکما، ۲۴۰/۴۷۹۷، برگ ۱-۲) و حجم و ارزش فرش‌های صادره از ایران به بازارهای
روسیه نیز افزایش پیدا کرد. به‌طوری‌که «جمال‌زاده» ارزش فرش‌های پشمی صادره از ایران
به روسیه در دهه اول قرن ۲۰م/۱۴ق (۱۹۰۷-۱۹۰۸م/۱۳۲۵-۱۳۲۶ق) را ۶'۹۴۸'۶۳۲ قران
برآورد می‌کند (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰). گفتنی است که این روند با وجود وقفه‌ای کوتاه
در طول سال‌های جنگ جهانی اول کماکان تا پایان دوره قاجار ادامه داشته‌است.

۳.۶. اروپا و ایالات متحده آمریکا

یکی از تحولات اساسی عصر صفوی شکل‌گیری روابط تجاری ایران با اروپا بود. در این
زمان تجارت فرش‌های نفیس ایرانی توسط شرکت‌های اروپایی - که در قرن ۱۷م/۱۱ق
در خلیج فارس در رفت‌وآمد بوده‌اند - (Walker, 1990, Vol 4, pp 867-868)، بخش مهمی از
مبادلات تجاری ایران با اروپا را تشکیل می‌داده‌است.

در دوره قاجار، در نیمه نخست قرن ۱۹م/۱۳ق، روابط تجاری اروپا با ایران از طریق
خلیج فارس در جنوب و تبریز در شمال وارد مرحله‌ای جدید شد و سیر صعودی
شتابنده‌ای پیدا کرد (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۱۳۶-۱۴۰). در این زمان بخش اعظم تجارت
اروپا با ایران به‌ترتیب به کشورهای انگلستان و فرانسه اختصاص داشت. در نیمه قرن
۱۹م/۱۳ق «... انگلستان بزرگ‌ترین طرف تجاری ایران بود و ۵۰ درصد یا بیشتر [از]
صادرات و بیش از ۵۰ درصد [از] واردات ایران را در دست داشت» (فوران، ۱۳۸۷،
ص ۱۷۲). در این زمان، فرانسه و به‌ویژه انگلستان از بازارهای عمده قالی ایران در اروپا
محسوب می‌شدند و محدود فرش‌های صادراتی کشور از طریق حمل به ترکیه و هندوستان

۱. محله‌ای تاریخی در مرکز شهر تبریز در
دوره قاجار.



راهی بازارهای این دو کشور می‌شد (Walker, 1990, Vol 4, p 879؛ فلور، 1393، ص 23؛ شاکری، 1384، ص 89).

در نیمه دوم قرن ۱۹م/۱۳ق به مقدار زیادی بر حجم مبادلات تجاری ایران با اروپا افزوده شد و این روند صعودی تا جنگ جهانی اول ادامه یافت؛ به طوری که جمع ارزش دادوستد انگلستان با ایران از ۱/۷ میلیون پوند استرلینگ در سال ۱۸۷۵م/۱۲۹۲ق، به ۳ میلیون پوند در سال ۱۸۹۵م/۱۳۱۲ق بالغ شد (فوران، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴). اگرچه تراز تجارت خارجی به سود بریتانیا بود (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۲۰۵-۲۰۸)، ولی صادرات ایران هم به بریتانیا قابل توجه بود. فرش، ابریشم، حبوبات، تنباکو، پنبه خام و تریاک، از جمله اقلام صادراتی ایران به انگلستان بودند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۶).

در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق هم‌زمان با تقاضای روزافزون اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها برای فرش ایران (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۲۳) و به تبع آن سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش کشور، صادرات این کالا به اروپا و آمریکا رشد و رونق خوبی پیدا کرد. در این زمان پس از بازار فرش ترکیه و روسیه، بازار کشورهای انگلستان، ایالات متحده آمریکا و فرانسه، مهم‌ترین بازارهای فرش ایران محسوب می‌شدند و قسمت عمده فرش‌های تولیدی در مناطق عراق (اراک)، کردستان، خراسان، فارس (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۵۲، ۶۲۵)، همدان، کاشان و کرمان به این کشورها صادر می‌شد. بنابر برخی گزارش‌های موجود، در این دوره قالی و قالیچه بزرگ‌ترین اقلام وارداتی انگلستان از ایران بوده (کوزنتسوا، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰) و بنابه گفته «اوبن» بازار عمده آن شهر منچستر بوده است. قسمت عمده این فرش‌ها در خود انگلستان عرضه می‌شد و بقیه در سایر کشورهای منطقه به فروش می‌رسید (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۳۸۴). اگرچه اسناد موجود جزئیات صادرات فرش ایران به بازار فرانسه را در اختیار ما قرار نمی‌دهد، ولی براساس مستندات، صادرات این کالا از ایران به ایالات متحده آمریکا رونق خوبی داشته است؛ به طوری که در سال ۱۹۰۳م/۱۳۲۱ق سفارت ایران در واشنگتن طی مکاتبه با «وزارت امور خارجه» وقت می‌آورد: «... متاعی که از ایران حالا به آمریکای شمالی (اتازونی) می‌آورند، قالی و فرش است؛ خاصه پس از تشکیل سفارت سنیه^۱ در واشنگتن، هر سال زیادتر می‌شود و وسعت پیدا می‌کند...» (استادوخ، ۱۳۲۱/۱۱/۵ق، برگ ۱۰۰). گفتنی است در اواخر دوره قاجار، نه تنها بخش اعظم مدیریت تولید فرش کشور در دست کمپانی‌های آمریکایی بوده، بلکه بازار آمریکا مهم‌ترین بازار فرش ایران، به‌ویژه فرش‌های منطقه اراک و کرمان (ادواردز، ۱۳۶۸، صص ۱۵۹-۱۶۰، ۲۳۰) محسوب می‌شده است.

اگرچه فرش‌های صادره از ایران، عمدتاً از طریق ترکیه و روسیه راهی بازارهای اروپا

۱. سنیه /saniy[y]/ نیکو؛ عالی؛ بلند مرتبه.



و آمریکا می‌شده‌است، باین‌حال، بنابر مستندات موجود، شرکت‌های غربی سرمایه‌گذار در بخش تولید و تجارت فرش، به‌ویژه شرکت‌های آمریکایی خود نیز مستقیماً مال‌التجاره مزبور را از طریق مراکز گمرکی بندرعباس، بوشهر، کرمانشاه، تبریز و انزلی به بازارهای آمریکا و اروپا صادر می‌کرده‌اند (استادوخ، ۱۳۲۸/۵۴/۲۸، برگ ۱۵). اسناد موجود بیانگر آن است که در اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق حدود ده الی یازده نمایندگی تجاری عمدتاً انگلیسی و آمریکایی در منطقه عراق (اراک) (استادوخ، ۱۳۲۹/۲۶۹، برگ ۸۳) و کرمان (استادوخ، ۱۳۰۵/۳۸/۱۳، برگ ۳۵) در تولید، تجارت و صادرات فرش ایران سرمایه‌گذاری و فعالیت داشته‌اند و مال‌التجاره خود را مستقیماً به بازارهای لندن، نیویورک و پاریس صادر می‌کرده‌اند (ساکما، ۲۴۰/۳۲۴۶، برگ ۱۱). باین‌حال، اسناد و گزارش‌های به‌جامانده از دوره قاجار، اطلاعات بسیار اندکی از میزان و ارزش فرش‌های صادراتی از ایران به اروپا و آمریکا در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق، به‌دست می‌دهد. بنابه گفته «جمال‌زاده»، طی سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۸م/۱۳۲۵-۱۳۲۶ق ارزش فرش‌های پشمی صادره از ایران به انگلستان و ایالات متحده آمریکا، به‌ترتیب ۳۶۰'۴۱۰ و ۴۹۳'۶۹۰ قران بوده‌است (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰). نتیجه آن که در این زمان سهم انگلستان و آمریکا از بازار فرش ایران، تقریباً نزدیک به هم و خیلی کمتر از سهم ترکیه (۲۲۳'۶۲۳ قران) (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰) و روسیه (۲۰'۹۰۱'۹۸۵ قران) (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰) بوده‌است؛ ولی در دهه دوم قرن ۲۰م/۱۴ق و در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول، دو کشور مذکور سهم عمده‌ای از بازار فرش ایران را به خود اختصاص دادند (جمال‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰؛ ساکما، ۲۴۰/۱۷۱۹۶، برگ ۱-۱۴).

لازم به ذکر است، علاوه بر انگلستان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا، کشورهای هلند (استادوخ، ۱۳۲۶/۱/۳۲، برگ ۱)، بلژیک (استادوخ، ۱۳۲۰/۱۹/۱۵، برگ ۳)، ایتالیا (ساکما، ۲۴۰/۳۳۳۸، برگ ۷)، آلمان (استادوخ، ۱۳۰۴/۳۸/۵۶، برگ ۹۲) و چک‌واسلواکی (ساکما، ۲۴۰/۳۳۳۸، برگ ۴-۷) نیز از دیگر بازارهای عرضه فرش ایران در اروپا در اواخر قرن ۱۹م/۱۳ق و به‌ویژه اوایل قرن ۲۰م/۱۴ق بودند و فرش ایران مستقیم و غیرمستقیم به این کشورها نیز صادر می‌شد. البته اسناد موجود هیچ‌گونه اطلاعاتی از میزان و ارزش فرش‌های صادره از ایران به این کشورها به‌دست نمی‌دهند.



۷. نتیجه‌گیری

با تثبیت سلسله قاجار و برقراری امنیت و آرامش نسبی در کشور در اوایل قرن ۱۳/م ۱۹، جریان تولید و تجارت فرش پس از پشت‌سر گذاشتن دوره‌ای از رکود نسبی -در فاصله سقوط سلسله صفوی تا شکل‌گیری و تثبیت سلسله قاجار- مجدداً در بستر گذشته از سر گرفته شد. در نیمه اول قرن ۱۳/م ۱۹ فرش‌بافی بیشتر به صورت حرفه‌ای روستایی تلقی می‌شد و بافت آن به میزان محدود و عمدتاً به عنوان کالای تجاری داخلی مطرح بود؛ ولی از اواسط این قرن، تحت تأثیر آشنایی و علاقه‌مندی غربی‌ها به فرش ایران و با تقاضای ناگهانی از جانب آن‌ها برای این کالا، به تدریج در نیمه دوم سده ۱۳/م ۱۹ سرمایه داخلی و خارجی در صنعت فرش کشور به راه افتاد و تولید و تجارت آن رونق خوبی گرفت. تجار بومی از پیشگامان سرمایه‌گذاری در این بخش بودند؛ ولی افزایش تقاضا برای فرش ایران در اواخر قرن ۱۳/م ۱۹ گسترش تولید آن را ایجاب می‌کرد و سرمایه محلی ایران در چنان وضعیت مناسبی نبود تا بافت فرش را توسعه دهد؛ بنابراین شرکت‌های خارجی (عمدتاً غربی) در اواخر قرن ۱۳/م ۱۹ و اوایل قرن ۲۰/م ۱۴، تحت تأثیر عواملی چون رشد روزافزون تقاضا برای فرش ایران در بازارهای جهانی، هم‌چنین در دسترس بودن مواد اولیه نظیر پشم و ابریشم و نیروی انسانی ارزان و فراوان در داخل کشور (عمدتاً زنان و کودکان) بازار فرش ایران را سودمند یافتند و به سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت فرش روی آوردند.

از این زمان به بعد با توسعه همه‌جانبه در صنعت فرش کشور نه تنها تولید این فرآورده گسترش یافت، بلکه تجارت آن نیز جنبه جهانی پیدا کرد و فرش به بیشتر کشورهای صادر شد. در اواخر قرن ۱۳/م ۱۹ و اوایل قرن ۲۰/م ۱۴ صادرات فرش ایران به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم و از طریق مبادی و کانون‌های صادرات و واردات کشور، یعنی آذربایجان، خراسان، فارس، بندرهای خلیج فارس و کرمانشاه انجام می‌شد. به این صورت که گاهی قسمتی از مال‌التجاره مزبور از طریق حمل به ترکیه، هندوستان و روسیه، راهی بازارهای اروپا و ایالات متحده آمریکا می‌شد و در برخی مواقع، تجار و بازرگانان و شرکت‌های سرمایه‌گذار در تولید و تجارت فرش ایران، خود مستقیماً این کالا را به کشورهای مزبور صادر می‌کردند.

عوامل رشد تولید و رونق تجارت فرش ایران در اواخر قرن ۱۳/م ۱۹ عبارت بودند از: امنیت (سیاسی و اقتصادی) نسبی بین‌المللی و داخلی در طی سال‌های قبل از جنگ جهانی اول؛ رشد تقاضا برای فرش ایران از جانب غربی‌ها؛ و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در صنعت فرش کشور. اسناد و گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که با سرمایه‌گذاری



شرکت‌های تولیدی و تجاری خارجی در صنعت فرش کشور در اواخر قرن مذکور، تعداد دارهای قالی‌بافی در مراکز قالی‌بافی کشور چندبرابر شد و تولید فرش افزایش یافت؛ و به تبع آن صادرات فرش ایران به خارج از کشور نیز بیشتر رونق گرفت. البته فعالیت‌های تولیدی و تجاری این شرکت‌ها در صنعت فرش کشور باعث ورود رنگ‌های شیمایی و هم‌چنین طرح و نقش‌های موردپسند این شرکت‌ها و مشتریان آن‌ها به صنعت مزبور شد و در بلندمدت آسیب‌های جدی به این صنعت و هنر اصیل ایرانی وارد کرد.

در پایان گفتنی است از آن‌جاکه صنعت فرش از صنایع منحصربه‌فرد کشور در طی قرن ۱۹م/۱۳ق و نیمه اول قرن ۲۰م/۱۴ق بوده و محصولات آن به بیشتر کشورهای دنیا صادر می‌شده‌است، امید است تا با انتشار اسناد بیشتری (در داخل و خارج از کشور) در این حوزه، در تحقیقات آینده زوایای بیشتری از وضعیت تولید، تجارت و صادرات فرش ایران در دوره قاجار روشن شود.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۴۰/۱۶۰۱۱؛ ۲۴۰/۱۵۵۲۵؛ ۲۴۰/۱۵۵۳۷؛ ۲۴۰/۷۰۳۶؛ ۲۴۰/۴۷۹۷؛ ۲۴۰/۳۳۳۸؛ ۲۴۰/۳۲۴۶؛ ۲۳۲/۲۵۰۵
 ۲۴۰/۱۷۱۹۶؛ ۲۴۰/۲۲۸۳۸؛ ۲۴۰/۴۷۴۸۲؛ ۲۹۳/۳۹۹۸؛ ۲۹۳/۵۸۸۴؛ ۳۶۰/۵۳۴۴
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، مرکز اسناد کرمان؛ ۹۹/۲۳۰/۴۳؛ ۹۹/۲۳۰/۵۵۳؛ ۹۹/۲۳۰/۶۷۷؛ ۹۹/۲۳۰/۶۷۷
 اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ):
 ۱۳۱۸/۱۸/۲۱ق؛ ۱۳۲۰/۹/۱۶ق؛ ۱۳۲۰/۱۹/۱۵ق؛ ۱۳۲۱/۱۱/۵ق؛ ۱۳۲۱/۱۳/۱۱ق؛ ۱۳۲۶/۱/۳۲ق؛
 ۱۳۲۶/۶۱/۱ق؛ ۱۳۲۷/۵۴/۲۶ق؛ ۱۳۲۸/۵۴/۲۸ق؛ ۱۳۲۹/۱۱/۳۷ق؛ ۱۳۲۹/۱۱/۳۹ق؛ ۱۳۲۹/۲۶/۹ق؛
 ۱۳۲۹/۳۴/۳۵ق؛ ۱۳۲۹/۵۴/۱۸ق؛ ۱۳۳۰/۵۴/۳۷ق؛ ۱۳۳۰/۵۴/۱۹ق؛ ۱۳۳۲/۵۴/۱ق؛ ۱۳۳۳/۵۴/۲۱ق؛
 ۱۳۳۴/۵۵/۱۳ق؛ ۱۳۳۵/۲/۱۵ق؛ ۱۳۳۶/۵۵/۵ق؛ ۱۳۳۷/۶۷/۱۹ق؛ ۱۳۳۸/۴۹/۳ق؛ ۱۳۴۰/۳۰/۸ق؛
 ۱۳۴۰/۵۷/۸ق؛ ۱۳۴۰/۲/۵۷/۲۹ق؛ ۱۳۴۰/۳/۳۶/۹ق؛ ۱۳۴۰/۳/۵۷/۱۶ق؛ ۱۳۴۰/۳۳/۸۴ق؛
 ۱۳۴۰/۳۸/۵۶ق؛ ۱۳۴۰/۳۸/۱۳ق.

کتاب

ادواردز، سسیل. (۱۳۳۸). *قالی ایران*. (مهین دخت صبا، مترجم). تهران: فرهنگسرا.
 اشرف، احمد. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: زمینه.
 انگلیش، پل وارد. (۱۳۹۰). *شهر و روستا در ایران: اقتصاد و سکونت در حوزه کرمان*. (رؤیا اخلاص‌پور،



- مترجم). تهران: نشر تاریخ ایران.
اوین، اوژن. (۱۳۶۲). ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷م). (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: علم.
اولثاریوس، آدم. (۱۳۶۱). *سفرنامه اولثاریوس*، (ج ۲). (محمدحسین کردبچه، مترجم). تهران: کتاب برای همه.
باری‌یر، جولیان. (۱۳۶۳). *اقتصاد ایران* (۱۹۰۰-۱۹۷۰م/۱۲۷۹-۱۳۴۹ش). (مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، مترجم). تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه.
بنجامین، ساموئل گرین. (۱۳۹۴). *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه*. (محمدحسین کردبچه، مترجم). تهران: اطلاعات.
تحویلدار، حسین‌بن محمدابراهیم. (۱۳۸۷). *جغرافیای اصفهان: جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار و اصناف شهر*. (منوچهر ستوده، کوشش گر). تهران: شنگرف.
ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران.
جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۷۶). *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. (محمدعلی فره‌وشی، مترجم). تهران: ابن سینا.
دل‌ریش، بشری. (۱۳۷۵). *زن در دوره قاجار*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
رایینو، یاسنت. لویی. (۱۳۹۱). *گزارشی از بازرگانی و اجتماع شهر و ایالت کرمانشاه در سده نوزدهم*. (محمدرضا همزه‌ای، مترجم). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
سایکس، سرپرسی. (۱۳۳۶). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*. (حسین سعادت نوری، مترجم). تهران: کتاب‌خانه ابن سینا.
سعیدی‌نیا، حبیب‌الله. (۱۳۸۹). *گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج فارس در دوره قاجار*. بوشهر: دانشگاه خلیج فارس.
سیف، احمد. (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. تهران: چشمه.
شاردن، ژان. (۱۳۳۶). *سیاحت‌نامه شاردن*. (ج ۴). (محمد عباسی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
شاکری، خسرو. (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال‌دموکراسی در آن عهد*. تهران: اختران کتاب.
شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۸۴). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: زریاب.
صوئراسرافیل، شیرین. (۱۳۸۷). *تاریخ منقوش فرش همدان*. تهران: مینا.
علی‌اکبری بایگی، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). *اسنادی از صنعت فرش ایران* (۱۲۹۲-۱۳۵۷ش). (ج ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه ۱۲۱۵-۱۳۲۲ق)*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.

- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۸). *تاریخ اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی*. (عبدالله کوثری، مترجم). تهران: پایپروس.
- فریه، رونالد. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*. (پرویز مرزبان، مترجم). تهران: فرزبان.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۳). *صنایع کهن در دوره قاجار (۱۸۰۰-۱۹۲۵)*. (علی رضا بهارلو، مترجم). تهران: پیکره.
- فوران، جان. (۱۳۸۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب*. (احمد تدین، مترجم). تهران: رسا.
- کرزن، جرج. ناتانیل. (۱۳۸۷). *ایران و قضیه ایران*. (ح ۲). (غلام علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- کوزونتسوا، نینا آلکسی یونا. (۱۳۸۶). *پیرامون تاریخ نوین ایران: اوضاع سیاسی و اقتصادی-اجتماعی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی*. (سیروس ایزدی، مترجم). تهران: نشر بین الملل.

مقاله

- اتحادیه، منصوره؛ پروان، رسول. (۱۳۸۹). «تحولات تجارت فرش دستباف ایران در دوره قاجاریه (با تکیه بر بازار بین المللی فرش دستباف)». *مطالعات تاریخ فرهنگی* (پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ)، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱-۳۶.
- لعبت فرد، احمد؛ ثواقب، جهان بخش. (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در ایران قرن نوزدهم میلادی». *دوفصل نامه تاریخ ایران*، شماره بیستم، تابستان و پاییز ۱۳۹۵، صص ۸۷-۱۲۶.

نشریه و روزنامه

- مجله فلاح و تجارت*، سال دوم، شماره اول، ۱۳۹۸ش؛ سال دوم، شماره دوم، ۱۳۹۸ش.

منابع لاتین

- Ittig, Annette. (1990). "Carpets xi. Qajar Period". *Encyclopaedia Iranica*. Volume IV. (Ehsan Yarshater, Editore). London and Newyork.
- Savory, Roger. (1990). "Carpets i. Introductory Survey". *Encyclopaedia Iranica*. Volume IV. (Ehsan Yarshater, Editore). London and Newyork.
- Walker, Daniel. (1990). "CarPets ix. Safavid Period". *Encyclopaedia Iranica*. Volume IV. (Ehsan Yarshater, Editore). London and Newyork.



English Translation of References

Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

21/18/1318 ق; 32/1/1326 ق; 11/13/1324 ق; 5/11/1321 ق; 15/19/1320 ق; 16/9/1320 ق; 9/26/1329 ق; 39/11/1329 ق; 37/11/1329 ق; 28/54/1328 ق; 26/54/1327 ق; 1/61/1326 ق; 19/54/1333 ق; 1/54/1332 ق; 37/54/1330 ق; 18/54/1329 ق; 35/34/1329 ق; 3/49/1338 ق; 19/67/1337 ق; 5/55/1336 ق; 15/2/1335 ق; 13/55/1334 ق; 21/54/1333 ق; 16/57/1303 ش; 9/36/1303 ش; 29/57/1302 ش; 8/57/1300 ش; 8/30/1300 ق; 13/38/1305 ش; 56/38/1304 ش; 84/33/1304. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 232/25.5; 240/3246; 240/3368; 240/4797; 240/7036; 240/15537; 240/15525; 240/16011; 240/17196; 240/22838; 240/47482; 293/3998; 293/5884; 360/5344. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā), Markaz-e Asnād-e Kermān (National Library and Archives Organization of Iran): 99/230/43; 99/230/553; 99/230/677. [Persian]

Books

Ali Akbari Bayegi, Ali Akbar. (1381/2002). "*Asnādi az san'at-e farš-e Irān (1292-1357 SH)*" (Documents from the Iranian carpet industry 1292-1357 / 1913-1978) (vol. 1). Tehran: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance). [Persian]

Ashraf, Ahmad. (1359/1980). "*Mavāne'-e tārixī-ye sarmāye-dāri dar Irān: Dowre-ye Qājārieh*" (Social classes, state and revolution in Iran: A collection of essays). Tehran: Zamineh. [Persian]

Aubin, Eugene. (1362/1983). "*Irān-e emruz (1906-1907)*" (La Perse d'aujourd'hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia] (1st ed.). Translated by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Zovvār. [Persian]



- Benjamin, Samuel Green wheeler. (1363/1984). *“Irān va Irāniān dar asr-e Nāser-ed-din Šāh”* (Persia and the Persians). Translated by Mohammad Hossein Kordbacheh. Tehran: Ettelāʾāt. [Persian]
- Bharier, Julian. (1363/1984). *“Eqtesād-e Irān (1900-1970 AD / 1279 – 1349 SH)”* (Economic development in Iran, 1900 – 1970). Translated by Markaz-e Tahqiqāt-e Taxassosi-ye Hesābdāri va Hesāb-resi-ye Sāzmān-e Sanāyeʾ-e Melli va Sāzmān-e Barnāmeḥ (Accounting and Auditing Research Center of the National Industries Organization and the Planning and Budget Organization). Tehran: Markaz-e Tahqiqāt-e Taxassosi-ye Hesābdāri va Hesāb-resi-ye Sāzmān-e Sanāyeʾ-e Melli va Sāzmān-e Barnāmeḥ (Accounting and Auditing Research Center of the National Industries Organization and the Planning and Budget Organization). [Persian]
- Chardin, Jean. (1336/1957). *“Siāhat-nāme-ye Šārden”* (Voyages en Perse) [Trips in Iran]. (vol. 4). Translated by Mohammad Abbasi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1380/2001). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 2). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi & Farhangi. [Persian]
- D’Allemagne, Henry Rene. (1335/1956). *“Safarnāme-ye az Xorāsān tā Baxtiāri”* (Du Khorassan au pays des Backhtiaris: Trois mois de voyage en Perse, 1911-1290) [From Khorassan to the land of the Backhtiaris: A three-month journey in Persia, 1911-1290]. Translated by Mohammad Ali Faravashi. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Delrish, Boshra. (1375/1996). *“Zan dar dowre-ye Qājār”* (Women in the Qajar period). Tehran: Sāzmān-e Tabliqāt-e Eslāmi, Howze-ye Honari (Islamic Development Organization).
- Edwards, Arthur Cecil. (1368/1989). *“Qāli-ye Irān”* (The Persian carpet: A survey of carpet - weaving industry of Persia). Translated by Mahindokht Saba. Tehran: Farhangsarā. [Persian]
- English, Paul Ward. (1390/2011). *“Šahr o rustā dar Irān: Eqtesād va sokunat dar howze-ye Kermān”* (City and village in Iran: Settlement and economy in the Kirman Basin). Translated by Roya Ekhlaspour. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān.



[Persian]

Ferrier, Ronald W. (1374/1995). "*Honar-hā-ye Irān*" (The arts of Persia). Translated by Parviz Marzban. Tehran: Farzān. [Persian]

Floor, Willem. (1371/1992). "*Sanāye'-e kohan dar dowre-ye Qājār 1800 – 1925*" (Traditional crafts in Qajar Iran (1800-1925)). Translated by Alireza Baharlou. Tehran: Peykareh. [Persian]

Foran, John. (1387/2008). "*Moqāvemāt-e šekanandeh: Tāix-e tahavvolāt-e e'temāee-ye Irān az sāl-e 1500-e milādi motābeq bā 897 šamsi tā enqelāb*" (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Rasā. [Persian]

Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). "*Tārix-e eqtesādi-ye Irān: Qājārieh 1215-1332 AH*" (The economic history of Iran). Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]

Issavi, Charles Phillip. (1368/1989). "*Tārix-e eqtesādi-ye Xāvar-e Miāneh va Āfriqā-ye Šomālī*" (The economic history of the Middle East and North Africa 1800-1980). Translated by Abdullah Kowsari. Tehran: Pāpirus. [Persian]

Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1362/1983). "*Ganj-e Šāyḡān: Owzā'-e eqtesādi-ye Irān*" (The worthy treasure). Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmoud Afshar Yazdi's Endowments). [Persian]

Kuznetsova, Nina Alekseevna. (1386/2007). "*Pirāmun-e tārix-e novīn-e Irān: Owzā'-e siāsi va eqtesādi-ejtemā'ee-ye Irān dar pāyān-e sade-ye hejdahom tā nime-ye noxošt-e sade-ye nuzdahom-e milādi*" (On the modern history of Iran: The political and socio-economic situation of Iran at the end of the eighteenth century to the first half of the nineteenth century). Translated by Sirous Izadi. Tehran: Našr-e Bein-ol-Melal. [Persian]

Olearius, Adam. (1361/1982). "*Safarnāme-ye Oleāriyus*" (Vermechrte neue Beschreibung der muscowitischen und persischen Reyse) [The voyages and travels of the ambassadors sent by Frederick Duke of Holstein to the Great Duke of Muscovy, and the King of Persia] (vol. 2). Translated by Mohammad Hossein Kordbacheh. Tehran: Ketāb barāye hameh. [Persian]



- Rabino, Hyacinth Louis. (1365/1986). *“Gozāreši az bāzargāni va ejtemā’-e šahr va eyālat-e Kermānšāh dar sade-ye nuzdahom”* (Diplomatic and consular reports: Persia. Report on the trade and general condition of the city and province of Kermanshah). Translated by Mohammadreza Hamzei. Kermānšāh: Dānešgāh-e Rāzi. [Persian]
- Saeedinia, Habibollah. (1389/2010). *“Gomrok-e Bušehr va naqš-e ān dar tejārat-e Xalij-e Fārs dar dowre-ye Qājār”* (Bushehr Customs and its role in Persian Gulf trade in the Qajar period). Bušehr: Dānešgāh-e Xalij-e Fārs (Persian Gulf University). [Persian]
- Seif, Ahmad. (1380/2001). *“Eqtesād-e Irān dar qarn-e nuzdahom”* (Iran’s economy in the nineteenth century). Tehran: Češmeh. [Persian]
- Shakeri, Khosro. (1384/2005). *“Pišine-hā-ye eqtesādi-ejtemāee-ye jonbeš-e mašrutiat va enkešāf-e sosyāl-demokrāsi dar ān ahd”* (Socio-economic backgrounds of the constitutional movement and the development of social democracy in that era). Tehran: Axtarān Ketāb. [Persian]
- Shamim, Ali Asghar. (1346/1967). *“Irān dar dowre-ye saltanat-e Qājār”* (Iran during the reign of Qajar). Tehran: Zaryāb. [Persian]
- Souresrafi, Shirin. (1387/2008). *“Tārix-e manquš-e farš-e Hamedān”* (Hamadan carpet). Tehran: Minā. [Persian]
- Sykes, Sir Percy Molesworth. (1363/1984). *“Safarnāmeḥ-ye ženerāl ser Persi Sāyks yādah hezār māyl dar Irān”* (Ten thousand miles in Persia. Translated by Hossein Sa’adat Nouri). Tehran: Ketābxāne-ye Ebn-e Sinā. [Persian]
- Tahvildar, Hossein Ibn Mohammad Ebrahim. (1387/2008). *“Joqrāfiā-ye Esfahān: Joqrāfiā-ye tabi’ee va ensāni va āmār va asnāf-e šahr”* (Geography of Isfahan: Natural and human geography and statistics and guilds of the city). Tehran: Šangarf. [Persian]
- Torabi Farsani, Soheila. (1384/2005). *“Tojjār, mašrutiat va dowlāt-e modern”* (Merchants, constitutionalism and the modern state). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]



Articles

Ettehadieh, Mansoureh; & Parvan, Rasoul. (1389/2010). "Tahavvolāt-e tejārat-e farš-e dastbāf-e Irān dar dowre-ye Qājārieh: Bā tekyeh bar bāzār-e bein-ol-melali-e farš-e dastbāf" (Developments of Iranian handmade carpet trade in the Qajar period: Relying on the international market of handmade carpets). *Motāle'āt-e Tārix-e Farhangi (Pažuheš-nāme-ye Anjoman-e Irāni-ye Tārix)* (Cultural History Studies) (Pejuhesh Nameh Anjoman-e Iraniye Tarikh), 2nd year, issue number 5, Fall 1389/2010, pp. 1-36. [Persian]

Ittig, Annette. (1990). "Carpets xi. Qajar Period". In Ehsan Yarshater (Ed.), *Encyclopaedia Iranica* (Volume IV). London & New York.

Lobatfard, Ahmad; & Savagheb, Jahanbakhsh. (1395/2016). "Avāmel-e mo'asser bar rošd-e sāderāt-e farš va peyāmad-hā-ye eqtesādi-ye ān dar Irān-e qarn-e nuzdahom-e milādi" (Factors affecting the growth of carpet exportation and its economic outcomes for Iran during the 19th century). *Do-Fasl-nāme-ye Tārix-e Irān* (Journal of History of Iran), issue number 20, Summer & Fall 1395/2016, pp. 87-126. [Persian]

Savory, Roger. (1990). "Carpets i. Introductory Survey". In Ehsan Yarshater (Ed.), *Encyclopaedia Iranica* (Volume IV). London & New York.

Walker, Daniel. (1990). "Carpets ix. Safavid Period". In Ehsan Yarshater (Ed.), *Encyclopaedia Iranica* (Volume IV). London & New York.

Press

Majalle-ye Falāhat va Tejārat, 2nd year, issue number 1, 1298 SH / 1919 AD; 2nd year, issue number 2, 1298 SH / 1919 AD. [Persian]

